



سال دوم نیمه دوم مرداد ماه ۱۳۶۷

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

ارگان کمیته خارج از کشور

## ما را به کام مرگ نفرستید!

۵۰ نفر از پناهندگان ایرانی که در بین آنها تعدادی زن و کودک نیز دیده میشود، در تاریخ ۲ اوت پس از اطلاع از تصمیم مقامات ترکیه مبنی بر تحویل آنها به ایران، خود را به دفتر پناهنده‌گی حزب سوسیالیست خلق SHP در شهر وان رسانده و از این حزب تقاضای کمک کردند. روزنامه حریت چاپ ترکیه که این خبر را گزارش کرده است از قول پناهندگان می‌نویسد: چند روز پیش از این حادثه مقامات ترکیه ۵۸ نفر از دوستانمان را از مرز Kupikoy تحویل مقامات ایرانی دادند. که از طرف پاسداران ایرانی در همان محل تیرباران شدند.

## ایتالیائی‌ها هم آمدند

روز ۱۲ مرداد دخیبرگزار ریه‌ها خبر دادند که یک هیئت اقتصادی ایتالیائی برای انجام پروژه‌های مذاکرات و عقد چند قرارداد در تهران شد. با بحران‌تر شدن اوضاع ایران، تهران هر روز میباید نگاه هیئت‌هایی مختلف از کشورهای گوناگون است. رژیم می‌کوشد در این امر از همان تزی استفاده کند که شمی رفسنجانی در نماز بقیه در صفحه ۲

## دشواریهای تازه تثبیت جمهوری اسلامی

از اسلام بوجهل‌ها تمیز دهد، اینبار بجا طر شدت افتتاح، خمینی و رفسنجانی، مرتباً در مقابل امت حزب الله، ابتکار پذیرش قطعنامه "تنگین ۵۹۸" را به یکدیگر پاسب می‌دهند و یکجوری از پذیرش مسئولیت مستقیم ویرا ژمی‌دهند. ولی امت حزب - الله بیش از همه از زبان رهبریت شکن و سازش‌نا پذیر خود بود که می‌شنید: "چه جوری ما صلح بکنیم؟ با کی صلح بکنیم؟ این همان هست که یک کسی بگوید فرض کنید پیغمبر اسلام با ابوجهل صلح بکند، قابل صلح نیست. ما جواب ملت عراق را چه بدهیم؟ حالا ملت خودمان هیچ جواب ملت عراق را چه بدهیم."

با این حال، اگر چه قوای ناسوتی همواره بر قوای روحانی پیروزمی‌شوند و کم‌تر مومنی! چون خمینی! اما منظره را پاک نگه میدارد و "استحان الهی" سر بلند بیرون می‌آید و اولی‌ها این واقعیت را در نظر داشت که رژیم خمینی، یک رژیم ایدئولوژیک است و برای برانگیختن بقیه در صفحه ۲

ما بقیه نشان داده است حکام جمهوری اسلامی علیرغم غم‌زست‌های نرمش‌نا پذیر و یکدنگی‌ها نشان در حفظ به اصطلاح اصول ایدئولوژیک اسلام و سیاست‌های ملهم از مبانی فقهی، چنانچه در تنگنا قرار گیرند به آسانی آنها ندهند ۱۸۰ درجه تغییر موضع بدهند و مصالح قدرت سیاسی و حفظ حکومت را پیش پای "ارمانهای مقدس اسلام" قربانی نکنند. با بیان رسوای ما برای اشغال سفارتخانه "شیطان بزرگ" بعنوان سنبل آشتی‌نا پذیر و اسلام‌علیه "کفرها" تنها نمونه‌ای از این مصالحه‌ها و زیرآبی رفتن‌ها در مسائل مربوط به اصول انقلاب اسلامی را بنمایش می‌گذارد.

پذیرش آتش بس در "جنگ مقدس" و در ادامه آن، تن دادن به مذاکره مستقیم با نمایندگان "صدام بزرگ" تازه‌ترین و بزرگترین نمونه از اینگونه‌ها بیندیدی به اصول "سلام عزیز" است که قرار بود، "امت حزب الله شهید پرور" آنرا سرش خود قرار دهد و با این آموزشها اسلام‌ناپ محمدی را

## روزنامه، خبر و خبرنگار

اگر قبول داشته باشیم که مطبوعات یکی از شریک‌های مهم ارتباط جمعی در هر کشور است، آنگاه به راحتی می‌توانیم به عمق این جملات دایمانه‌نشین پی ببریم که روزنامه‌ها ارگان باید کار تبلیغ، ترویج و سازماندهی را به عهده داشته باشد. روزنامه‌ها می‌توانند در کار خویش موفق باشند که هواداران بیشتری را بتوانند و در خویش گرد آورده. این مهم آنگاه تحقق می‌پذیرد که روابط گسترده‌ای با خوانندگان ایجاد گردد. رابطه‌ها خواننده شرط اصلی بقا و دوام هر نشریه جدی است. حال چگونه بتوان این رابطه را از شکل یک جانبه خارج ساخت و به آن تداوم بخشید، مسئله‌ای است که ابتکارهای خاص را در تمام عرصه‌ها طلب می‌کند. این ابتکارها در شرایط گوناگون، در زمانها و مکانهای مختلف می‌توانند شکل‌های ویژه‌ای به خود بگیرد. برای روشن تر شدن، بر روی مسئله را بنده کمی تا مل می‌کنیم. رابطه‌ها خواننده عموماً دو شکل می‌تواند داشته باشد:

شکل اول: رابطه یک طرفه از طریق خبرنگار: هر روزنامه‌ای که بخواد مسائل روز سخن بگوید به تحلیل، بررسی و نقد و بیانی نقطه نظرات حول این مسائل بپردازد، به افرادی به عنوان خبرنگار بقیه در صفحه ۳

**زندگی و مبارزات پناهندگان پاکستان**

مشکل‌های پناهندگان بلوچ در کراچی

بهرتدبیا متخصصین ترکیه

عربان در اینجنا را ترجیح می‌دهیم

موتد آمریکا

اعضای علیه‌گشتا روحشانه

۲۹۰ مهاجرها بیمای غیرنظامی

آلمان فدرال

علیه‌استرداد پناهندگان ایرانی

در صفحه ۱۰

**سنون آزاد**

- ابزارهای مدرن تبلیغ و سازمانگری
- دربارها اهمیت پاولوف‌گرایی و روانشناسی اجتماعی
- نقد ثنا تر شویک در جنگ جهانی دوم در صفحه ۵

معرفی کتاب در صفحه ۱۲  
ملاحظاتی در تاریخ ایران، اسلام و "سلام را ستین" در صفحه ۹-۵  
اوین، جاده‌ای از شمشیر

مصاحبه با مندی نرسیمانگی یکی از رهبران کنگره ملی آفریقای جنوبی در صفحه ۱۱

## دشواریهای تازه تثبیت جمهوری اسلامی

بنا بر این شکست رژیم ولایت فقیه در جنگ تنها یک شکست نظامی نیست، بلکه یک شکست در بنیادهای عقیدتی آنها برای دست یابی به یک رژیم پیدار و یک امپراتوری اسلامی است.

اگر جنبش پاناسلامیستی امکان آنرا نیابد که در نقطه‌ای از منطقه خاور میانه و شمال آفریقا سر برآورد، با خاموشی گرفتن کانون اصلی آتش انقلاب اسلامی و فول‌ستا را سلام‌چهار روزنه میدی در مقابل رژیم ولایت فقیه چشم‌خواهد گشود؟

با وجود آنکه رژیم اسلامی این شانس را داشته است که برای تداوم عمر خود از طول عمر امام خمینی بهره‌بردار می‌کند، ولی از جهات بسیاری با پدید آمدن بدبختی رژیم جمهوری اسلامی و جنبش اسلامی در کل دانست که شکست بزرگ نظامی عقیدتی را زمانی تجربه می‌کند که امام "در قید حیات است. این مسئله کار با زسازی با وره‌های خرافی فروریخته است حزب الله و رزمندگان اسلام را که به کمک‌های غیبی اعتقاد داشتند دشوار می‌کند. بعید است داری همیشه بیعت با امام هم‌بخوانند و ضربه تکان دهنده‌ای که بر فرق مریدان امام وارد شد، را جبران کند. زیرا اکنون مت "با چشم‌پوشی، تا با ورسوی منگ، مقابل امام می‌ایستاده که پت پت کنان حتی نمی‌تواند عدالت این شکست را برای پیروان خود توضیح بدهد. آیا با وجود ابعدی که این بحران مکتب و مرجع پیدا خواهد کرد، حاکمیت رجبانی امام جماران ادامسه خواهد یافت.

گشت به مدینه را نشان مده، از ما رفع بیعت مکن! و بیخود نبود که بخش اعظم پیا مسوگوارا نه " امام " در توجیه علل شکست در جنگ و پس‌دیشش ت ش بس به تا خه و تا نه کشیدن علیه حکا مریاس و "قاصین خانه خدا" اختصا ص یافت و "رهبر" طبق معمول، رجز خوانان اعلام کرده‌اند حتی به قوه قهریه، کعبه را از دست آل سعود خواهم گرفت، چرا که با این نشان، خمینی می‌خواهد خا طریروا نش را از با بت عدم سازش و انحراف ایدئولوژیک جمع کند.

چنگه‌بمنا به ایزار صدور انقلاب اسلامی، جزئی از فلسفه انقلاب اسلامی برای تثبیت حاکمیت رژیم ولایت فقیه در یک کشور می‌باشد. بر طبق این فلسفه سیاسی استراتژی استقرار نظام ولایت فقیه در یک کشور از مجرای صدور انقلاب و شکل‌گیری مجمعی از کشورهای اسلامی می‌گذرد. در این مکتب جنگ یک واجب کفای است که بکمک آن وحدت مسلمین جهان صورت واقعی بخود می‌گیرد و امپراتوری ولایت فقیه بر روی زمین مستقر می‌گردد.

اکنون با شکست تلخی که نصیب قوای اسلام و فرزندان امام زمان شده است، نه فقط ایزار اصلی صدور انقلاب در هم شکسته است، نه فقط راه فتح کربلا و بیت المقدس مسدود شده، بلکه خورشیدی که قرار بود، کلیه بلاد امپراتوری اسلامی را روشن کند در خانه خود به تاریکی نشسته است، بدشال شکست در جنگ، اکنون بیش از هر چیز، مسئله تثبیت حکومت اسلامی خا طرا قایان فقها را پریشان میکند.

پیروانش بر مسند هفتاد و خرافات متکی است و دستگاہ ایدئولوژیک او برای بسیج عوامل الناس، از عناصری چون، روح انبیا، فریضه الهی، رضای خدا و رسول، خشم ملائکه، عذاب الیم و با لاضره‌ها دوجنگ مقدس و صدور انقلاب تشکیل یافته، که بکمک آنها نظام خود را الهی، مقدس و شکست‌ناپذیر می‌نمایاند. بهمین علت برای رژیم‌هایی از اینگونه شکست‌های سیاسی یا نظامی، در عین حال شکست‌های ایدئولوژیک نیز هست، شکستی که نورایمان را در دل پیروانش کمه سومی‌کنند با عت شیوع الهاد می‌گردد و در مسداری دیگر شکست‌های سیاسی تازه‌تری را روی دست رهبران می‌گذارد.

در تضرع وزاری شورا انگیز طلب و دانشجیان مشهد به درگاه امام بزرگوار "به هنگامیکه سایه شوم شکست در جنبه‌ها نزدیک می‌شود چشم‌اندازهای انقلاب اسلامی در دیگر بلاد اسلامی که گرفتار رژیم‌های الحادی گشته‌اند، بطور کامل در تیرگی فرو می‌رود، جلوه‌های از وحشت نزدیک شدن چنین شکست‌هایی را می‌بینیم "آقای ما، بدون تو، بدون آرمای نهایی توحیدی و انسانی تو، ... یکبار دیگر نفس کشیدن برای ما تنگ است، آقا، در این تاریکی بینا لمللی، در این دشت نیلویی تاریخ، چراغ خیمه را خاموش می‌کنی؟ بخون منطقی قسم که یکتن از این بچه‌ها نیز در ایسن شب عا شورایی، از خیمه بیعت بیرون نخواهد زد. در این شامگاه سرخ تاریخ، به ما راه بساز.

### ادامه از صفحه ۱ ایتالیا بی‌ها ...

جمعه اعلام کرد، تری که ضمن انتقاد از خویش رژیم بر اساس چه لزومی دارد کسائی را که می‌توانند با ما همراه باشند ... از خود برانیم "استوار است. بنا بر این تفاهوت که موقعیت کنونی رژیم را در آن نباید از نظر دور داشت، بر این اساس دور تجدید نظر در روابط ایران با غرب در بحران‌ترین شرایط جنگی آغاز شد. ابتدا فرانسویها آمدند، روابط مجددا برقرار گردید، طرفین سفیر مبادله کردند و عقد قرارداد های مختلف شروع گشت. آنگاه نوبت به انگلیسیها رسید، یک هیئت پارلمانی انگلیس وارد تهران شد و پس از چند روز "بحث‌های دوستانه" و قول و قرارهای فراوان، طرفین "در محیطی صمیمانه" ب "بنتایج مثبتی" برای ادا روابط رسیدند و بدینسان اولین دیدار سیاسی در این سطح پس از سقوط رژیم شاه برقرار گردید. هنوز انگلیسیها ایران را ترک نکرده بودند که صحبت از سرگیری روابط ایران با کانا دا بر سر زبانه افتاد و طرفین "برای همکاری در رشته‌های اقتصادی، صنعتی، علمی و سیاسی" موافقتنامه‌ها کردند و قرار شد سفارتخانه‌های دو کشور پس از هشت سال با زکشی گردد. با رفتن کانا دا بی‌ها نوبت به

پیروزی انقلاب حالت خصمانه‌ای گرفته است و تا چنین حالتی وجود داشته باشد، معنی ندارد که ما به فکر مذاکره با آمریکا باشیم و من گفته‌ام اگر آنها تشخیص می‌دهند که مصالح منطقه وجهان ایجاب می‌کند که با جمهوری اسلامی ایران حرف بزنند اول باید ببینیم این حالت خصمانه یا بیانه دهنده و نشان‌دهنده‌های ملموسی از حسن نیت را در آنها مشاهده کنیم، و بدینسان چراغ سبز چشمک می‌زند. شروط تنها به کنار گذاشتن "حالت خصمانه" محدود شده و افت می‌کنند و بدین طریق زمینه برای دیدار با آنها نیز فراهم می‌گردد.

واقعیت این است که در این پرده تمام ایسن روابط و تفویضها این نکته نهفته است که بحران داخلی رژیم فقها داردا و می‌گیرد "مشکلات قانونی چون کوهی سر بر فلک کشیده، نه تنها پیش روی مجریان، بلکه پیش پای انقلاب قدیر افراشته است. خطر برآورده نشدن امیدها و آرزوها هر روز بیشتر چنگ و دندان نشان می‌دهد" (نشریه سوز شماره ۲۵ مقاله چشم‌دانشی از مجلس سوم). آری صحبت از برآورده نشدن امیدها و آرزوهای فقهاست امری که رژیم دیگر نمی‌تواند آنرا مخفی نگاه دارد و امپراتوری نیز بر آن وقوف کامل دارد.

هیئت ایتالیایی رسید، این هیئت در دیداری با وزیر صنایع و معادن ایران گفت که آنها می‌توانند در زمینه "ساختهای بعد از جنگ" روابط خویش را با ایران گسترش دهند و وزیر صنایع و معادن ایران در مصاحبه‌ای علت آمدن این هیئت را بحث حول "پروژه‌های بزرگ اقتصادی از جمله فولاد مبارکه، نیروگاه‌های دیگر و موضوعهای اقتصادی اعلام کرد، وزیر خارجه ایتالیایی، بحث و گفتگو پیرامون "پروژه‌های قدیمی" و معوق مانده را نیز به موضوعات مطروحه اضافه کرد.

جمهوری اسلامی تمام گره‌های خویش را با کشورهای غربی یکی پس از دیگری می‌گشاید، آنکه تا دیروز "عامل اصلی بدبختیهای امت شهید پرور" بود، امروز دوست و صمیمی از آب درمی‌آید. رژیم از هر کوششی جهت فعالتر کردن روابط خویش با جناح‌های امپراتوریسم آمریکا دریغ نمی‌ورزد. آنان نیز در این رابطه فعالیت ویژه‌ای از خویش نشان می‌دهند، از گوشه و کناره صحبت از رابطه با آمریکا به گوش می‌رسد. هاشمی رفسنجانی در یکی از آخرین مصاحبه‌ها پیش از مطبوعات در جواب به سؤال یکی از خبرنگاران در این مورد می‌گوید: "ما قبلا اعلام کرده‌ایم که آمریکا بعد از

## روزنامه، خبر و خبرنگار

جلب می‌نماید و در این مقاله سعی می‌کنیم مسئله را از دید فنی و نوشتاری بشکافیم.

اصول لازم برای نوشتن یک خبر

از آنچه تا حال گفته شد، شکل و برداشت کلی ما از خبر معلوم گشت. هر خبر جهت درج در روزنامه را می‌خواهد و اجزایی است که بدون رعایت آن نسه تنها در بیان خبر موفق نبوده ایم بلکه خواننده را نارضی و حتی در بسیاری موارد عصبانی گردانیده ایم. قبیل از اینکه به این اجزاء بپردازیم، گفتنی است که اگر نظری به مطبوعات ببیند زیم و به اخبار مندرجه در آن ها اندکی دقیق گردیم در می‌یابیم که هر خبر از قسمتهای مختلف تشکیل شده است. در ابتدا با خطی درشت جمله‌ای و یا چند کلمه که تداومی یک معنی و یا یک جمله است را می‌بینیم (تیتر) و سپس در زیر آن یک و یا چند جمله به انتخاب از متن خبر، با خطی ریزتر از تیتر و درشت‌تر از متن درج شده است (زیر تیتر)، بدنبال این دو، متن خبر می‌آید که آن نیز دو قسمت دارد. قسمت اول در چند جمله کوتاه، اطلاعاتی کلی در ارتباط با کل خبر را شامل است و قسمت دوم، تمام خبر را مشروحاً در بر می‌گیرد. برای روشن تر شدن به شرح اندکی از هر کدام می‌پردازیم:

تیتر - تیتر عبارت است از کوتاه‌ترین جمله و یا ارتباط چند کلمه (که در کنار هم یک جمله و یا معنای آن را می‌نویسند) که در بر گیرنده و با زتاب کلی خبر باشد. تیتر باید زکلماتی انتخاب شود و آنچنان قدرتی برخوردار گردد که خواننده را به دنبال خویش به امل خبر بکشاند. تیتر در اکثر موارد در چهار چوب زمان و مکان و شرایط نیز مطرح می‌گردد. از این تیترهای جاودانی در تاریخ بشریت زیادند. تیترهای که فقط در یک مقطع قدرت جذب، بسیج و محرک دارند، بطور مثال تیتر "شاه رفت" که خوش ذوقی خوانندگان "در" را به آن اضافه نموده و آنرا تبدیل به "شاه در رفت" نمود در شرایط خیزش عمومی خلق در سال ۱۳۵۷ بیاد آورید. "شاه در رفت" از تیترهای جاودید تاریخ مطبوعات است ایران است که در بطن خویش تاریخ یک نسل مبارزه را در اذهان مجسم می‌کند. زمان، مکان و شرایط، هر سه دروای این تیتر دیده می‌شوند.

زیر تیتر - زیر تیتر عبارت است از یک یا چند جمله مهم از خبر که در متن آن نیز تکرار نشده است. هدف از زیر تیتر این است که اگر تیتر نتواند نقش لازم برای جذب خواننده به سوی خبر را بازی کند، این کار را انجام دهد. برای همین زیر تیتر را از قسمتهای جذاب و جالب خبر انتخاب می‌کنند و با خطی درشت‌تر از متن خبر و ریزتر از تیتر در زیر آن می‌نویسند. آنطور که با یک نگاه قابل خواندن

سازمانهای مرفعی اصول هدف و الاتری را نیز در این راستا باید دنبال کنند و آن اینک: این ذهنیت را در توده‌ها بشکنند که روزنامه صرفاً با یاد توسط چند نفر آدم حرفه‌ای به عنوان هیئت تحریریه و روزنامه‌نگاران حرفه‌ای اداره گردد و اینان نویسنده‌ها و خبره‌گانی هستند که می‌توانند در تمام مسائل صاحب نظر باشند. این مشکل بود که لتین نیز همیشه آنرا متذکر می‌شود و بدینوسیله از تمام مردم بخصوص کارگران و زحمتکشانی می‌خواست تا برای روزنامه‌نگاران مطالب بنویسند و عملاً به هیئت تحریریه آن‌ها اضافه گردند. البته نشریات بورژوازی عمدتاً حول هیئت تحریریه کارهای روزنامه‌نگاران انجام می‌دهند و اعتقادیه روزنامه‌نگاران حرفه‌ای دارند و از شرکت خواننده در امر روزنامه‌نگاری اصلاً از این حیطه وحشت دارند.

خبر چیست؟

تعریف ما از خبر جهت درج در روزنامه عبارت است از بیان جامع‌ترین و کاملترین اطلاعات حول مسئله یا حادثه‌ای خاص در کوتاه‌ترین جملات ممکن. علت اینکه صحبت از بیان جامع‌ترین و کاملترین اطلاعات می‌کنیم، این است که پس از خواندن خبر دیگر هیچ سؤالی در ارتباط با چگونگی و رخدادها در ذهن خواننده باقی نماند. خبر نباید به جای دادن اطلاعات کافی لازم خواننده را سردرگم و گیج گرداند. علت اینکه بیان آنرا در کوتاه‌ترین جملات ممکن طلب می‌کنیم، این است که با ولا صفحات روزنامه محدود است، در ثانی در وقت خواننده صرفه جویی می‌گردد و نهایی آن، اگر می‌توانیم خبر را کوتاه‌تر بنویسیم، چه لزومی دارد که طولانی‌ترش گردانیم. شکی نیست که برای طولانی‌تر کردن خبر مجبور خواهیم شد بعضی از جملات را با کلماتی دیگر تکرار کنیم و یا اینکه به مسئله‌های حاشیه‌ای رو آوریم. از آن گذشته امروزه هنرنویسندگانی در این نهفته است و نویسنده‌ای می‌تواند در کارش موفق‌تر گردد که بیشترین مطالب را با کوتاه‌ترین جملات بیان کند.

ما چه نوع خبری می‌خواهیم؟

چون نوع خبرهایی می‌تواند برای ما جالب و قابل استفاده باشد، محورهای تهیه اخبار و نحوه کسب خبر و تهیه گزارشات خبری، از مسائلی است که هر کدام احتیاج به بحث مفصلی دارند. راهکارها و کارها در سازمان‌ها، در شماره ۵۲ قرار می‌خواند بدین منظور درج کرده که از طرف دبیرخانه سازمان منتشر گشته است. مسائل مطروحه در این فراخوان در این مورد خوانندگی و جالب است، ما از تکرار این موضوعات در اینجاست. ما از تکرار این موضوعات در اینجاست. ما از تکرار این موضوعات در اینجاست. ما از تکرار این موضوعات در اینجاست.

نگار احتیاج دارد. خبرنگار جدی به میان می‌آید، از زندگی آن‌ها جویا می‌شود، نقطه نظرشان را می‌شنود، از حوادثی که در طی روز بر آن‌ها گذشته با خبر می‌گردد و در نهایت به انتقال و بازنمایی آنها در روزنامه می‌پردازد. بدین طریق خبر و یا حاشیه در روزنامه منعکس می‌گردد. خواننده از آنچه که بروی و یا بر دیگران افتاده است، در صفحات روزنامه می‌بیند و طبیعی است به همسرا آن از نقطه نظرهای دیگران و یا گردانندگان روزنامه نیز، حول مسائل مختلف اطلاع حاصل می‌کنند و بدینوسیله ارتباطی بین خواننده و روزنامه برقرار می‌گردد. این ارتباط، رابطه‌ای است یک جانبه، غیر مستقیم که از طریق خبرنگار انجام می‌پذیرد.

شکل دوم: رابطه مستقیم: این رابطه، شکل عالی‌تر رابطه است. شکلی است که می‌تواند موفقیت روزنامه را تضمین کند. در این نوع رابطه علاوه بر خبرنگاران، خوانندگان، خود خبرنگاران روزنامه‌ها، خوانندگان از زندگی خویش و آنچه که بر آن‌ها می‌گذرد، خودشان برای روزنامه می‌نویسند. در مسائل و بحثهایی که در روزنامه و نشریه مطرح می‌شود، فعلاً شرکت می‌جویند. این درحالی اتفاق می‌افتد که آن‌ها با ویرکنند، روزنامه‌ها متعلق به آن‌ها است و شرکت آن‌ها در فعالیت‌های روزمره آن، از بقای آن است.

روزنامه‌های که به شکل دوم ارتقاء پیدا کنند، می‌شود گفت در تبلیغ و ترویج به آن حدی رسیده است که می‌تواند سازمان‌ها را شروع کند. هر سازمان سیاسی نیز با چنین برداشتهایی اقدام به نشر روزنامه می‌نماید و کمتروزی نام‌های به این حد ارتقایی دست می‌یابد. هر نشریه‌ای هر قدر در این امر موفق‌تر گردد، از قدرت شکنندگی آن کاسته می‌شود. پیروزی و موفقیت این روزنامه‌ها را خوانندگان آن از قبیل تضمین کرده‌اند. اصولاً زندگی یک نشریه آنگاه زنده ترمی‌شود که بتواند هیئت تحریریه‌ای بسعه وسعت خوانندگانش دور خویش گرد آورد. لازم نیست اینان همگی نویسندگانی خبره و کارگزار باشند، مهم این است که اینان از دردها و آرزوهای واقعی‌های روزمره زندگی‌شان برای نشریه بنویسند از طرف دیگر نشریه لازم نیست تمام آنچه را که از خوانندگانش دریافت می‌نماید به چاپ برساند. یک خبر یا دیدیه عنوان یک فاکت یا یک سند، استفاده‌ای در از مدت‌ها شده با شدت و زمان استفاده آن با یگانگی گردید. یا شاید خبری صرفاً استفاده از اطلاعاتی و آگاهی از مسئله‌ای خاص را داشته باشد، و اصولاً یک سری از اخبار در آرشور روزنامه‌ها با یگانگی می‌گردد تا در زمانهای مختلف برای مسائل گوناگون به عنوان یک فاکت استفاده گردد.

روزنامه‌ها و نشریات مرفعی و ارگان‌های

# روزنامه، خبر و ...

باز

## البرز فرا می‌خواهند بسوی خویش

### یاران را

رژیم سیا و تبهکار جمهوری اسلامی می - دانست که میا دین ورزشی و بویژه کوه میا دگاه یاران است، بهمین خاطر از همان روزهای اول سلطه خویش تلاش کرد این محیط را از تحت تسلط و نظارت خود درآورد، با تعطیل کندویا با اسلامی کردن ورزش روح جوانمردی، شجاعت و پایداری را از آن بریاید، اما همچنانکه خلفای عباسی قاندر نشدند، رژیم اسلامی نیز نتوانست روح آزادی را در بایگ های سرزمین مان به زنجیر کند.

امسال که همراه با یاران البرز یخهای خود را آب کرده و شاخ جلا د شکسته است، چشمه های زلال و گوارایش پر آب و تروجوشا نتر از پیش مشتاقان و یاران را بسوی خود فرا خوانده است. هزاران هزار جوان برومند با از شیر جاب نخبش او سیراب می‌شوند و در بلندی وسترگی او سلاح خشم و نفرت خویش علیه جباران خون آشام صیقل می‌دهند.

تو جال و سایر ارتفاعات شمال تهران چگون دوران تدارک انقلاب بهمین وسال اول سرمستی از آن در بیا را مسائل دسته های بیشمار مردم و جوانان را در روزهای تعطیل گرد خود می آورد. پاسداران جهل و سرمایه که تا مسائل همه آن ارتفاعات را قرق خود کرده بودند، قادر نشدند که هجوم سیل مردم را مانع شوند و عا جزا ز کنترل در بند، پله های آغا زین صعود را با رذالت ترک کردند. ای کوه؛ عشقان به بلندی آسمان است، بیما نما ن به استواری قامت، روحمان به زلالی چشمه های بیت و کینه ها مان به تیزی تیغه ها - بیت، سرودها مان به سرخی لاله های بیت و آکا هیمان به پهنای دره های بیت، این نجوا ها بی که جوانان کشورمان در دسته های ۲۰-۳۰ نفره هنگام صعود از دربند در دل های جوشان خود تکرار می‌کنند، هنگام غروب که با زبه کام شیر در بند ستم بر می‌گردند، آنا ترا برای مبارزه آماده تر و مصمم تر می‌کند.



### از بوتولت برشت :



من با بسیاری گفتگو کردم و عقاید بسیاری را بدقت گوش دادم و از بسیاری درباره خیلی از آن عقاید شنیدم که: این عقیده یقین محض است! ولی به هنگام بازگشت، جز آنچه گفته بودند می‌گفتند: و درباره عقیده تازه نیز می‌گفتند: این یقین محض است. آنگاه با خود گفتم: از میان همه یقین ها یقین تر از همه، شك است!

واقع شده، مثل دیروز، امروز، سال قبل، ساعت فلان، هفته آینده و ...

کجا - هدف از "کجا" مکانی است که خبر در آن بوقوع پیوسته است. مثل فلان شهر یا کشور، محله یا خانه، سالن یا مزرعه و ...

چه - "چه" حکایت از این دارد که چه چیز رخ داده، انقلاب شده؟ قتل صورت گرفت -؟، سخنرانی انجام پذیرفته، ملاقات برقرار گشته، و ...

چرا - مراد از "چرا" علت وقوع حادثه است. علت ای بعد مختلفی می‌تواند داشته باشد. گاهی یک اختلاف شخصی دعوی را نتیجه می‌گردد و گاهی فقر و گرسنگی انقلابی را، بهر حال هم اختلاف و هم گرسنگی و فقر در دو مثال بالا، علت وقوع دو حادثه هستند، علل گوناگون حوادث مختلفی را سبب می‌شوند. "چرا" در خبر در جستجوی این علل است.

چگونه - هدف از "چگونه" بیان چگونگی وقوع حادثه است. هر حادثه ای به شکلی خاص بروز می‌نماید. در این قسمت منظور ذکر چگونگی این شکل است. برای مثال اعتراضی صورت پذیرفته و کارگران فلان کارخانه بر سر مسئله ای خاص واکنش نشان داده اند، بیان چگونگی این اعتراض و واکنش هدف این بخش از خبر است. آیا این اعتراض شکل اعصاب داشته و یا کم کاری، این واکنش کارگران با دست کشیدن از کار و بروز نموده و یا نوشتن طوماری به اداره کار و یا ... طبیعی است "چگونه" در حوادث گوناگون شکلهای ویژه ای به خود می‌گیرد. در یک خبر با بیان شکل ویژه بیان شود.

علاوه بر مسائل کلی که ذکر شد، اطلاع از درجه صحت خبر و اینکه آیا راوی مستقیم شاهد آن بوده و یا غیر مستقیم، توسط و از طریق رابطه ای دیگر از آن کسب اطلاع نموده است، نیز مسئله ای است که برای ما می‌تواند مهم باشد.

در بیان قابل ذکر است که مطالب مذکور صرفاً جنبه کمک به بهتر نویسی خبر و گزارش درج شده و انتظار داریم دوستان و رفقا با اطلاع از آن درگسترش روابط خویش با ما بکوشند. ما معتقدیم که روزنامه باید یقین جابمه باشد. این یقین آنگاه دقیقتر می‌گردد که ما بتوانیم رابطه ای متقابل با شما، تک تک دوستان و رفقای بی که نشریه ما را می‌خوانید برقرار کنیم. رابطه ما محدود به سیاست و مسائل روز نیست. برای تمام مسائل مبرم جامعه و جنبش و طرح و بررسی آنها، در ارتباط با تاریخ، هنر و فرهنگ کشورهای دیگر، ما می‌توانیم با هم رابطه برقرار کنیم.

باشد، معمولاً با توجه به طولانی بودن خبر، برای آن از یک تا سه زیر تیتر آورده می‌شود.

انتخاب تیتر و زیر تیتر با مسئله روانشناسی توده ها نیز می‌تواند همخوانی داشته باشد. برای این اساس تیتر و زیر تیتری می‌تواند موفق تر گردد که به آن توجه لازم کرده باشد و از این مسئله برای کوشش خواننده به اصل مطلب استفاده کند. استفاده از کلمات و واژه های بی که به نحوی مردم را معذب آن حساس گشته اند. بنا بر این خبرنگار خوب روانشناس خوبی نیز باید باشد.

خلاصه خبر - خلاصه خبر که معمولاً در ابتدای هر خبری آورده می‌شود، عبارتی است از بیان کل خبر در چند جمله کوتاه. خلاصه خبر به این علت نوشته می‌شود که اگر خواننده ای وقت لازم جهت خواندن کل خبر را نداشته باشد، بدینوسیله بتواند اصل خبر را اطلاع داشته باشد. خلاصه خبر از طرفی دیگر دنیا له نقشی را بازی می‌کند که تیتر و زیر تیتر به عهد دارند، یعنی جذب خواننده و ترغیب و تشویق آن به خواندن کل خبر. با درج خلاصه خبر خواننده می‌تواند پوی ببرد که خبر حکایت از چه دارد و آیا این، آن خبری است که برای وی خواننده می‌تواند ارزشمند باشد. خلاصه خبر به این مسئله نیز توجه دارد که معمولاً خواننده ای به مسائل خاصی که در خبر خاص را در دنیا می‌کند، با درج آن اولاً خواننده مطلب دلخواه خویش را سریعتر پیدا خواهد کرد و در ثانیه در غیر صورت اول ناخواسته از خبری دیگر کسب اطلاع می‌کند که در صورت جذاب بودن می‌تواند ورا به خواندن کل آن بکشد.

متن خبر - متن خبر عبارت است از بیان آنچه که بوقوع پیوسته و یا در شرف واقع شدن است. حادثه ای پدید می‌آید، شخصی و یا خبرنگاری آنرا دیده و یا شنیده و حال می‌خواهد آنرا برای درج در روزنامه بنویسد. طبیعی است این خبرنگار آنگاه می‌تواند خواننده را راضی گرداند که تا حد امکان هیچ نکته ای را پیش از خبر باقی نماند. برای اینکه خبر کاملاً با شد و از نقصها بسدور، لازم است نویسنده اصلی را در این مورد به ذهن داشته باشد که با حذف و یا بکار نبردن هر کدام از این اصول خبر ما ناقص خواهد بود. در کار خبرنگاری این اصول را در شش کلمه خلاصه کرده اند که عبارتند از: که، کی، کجا، چه، چرا و چگونه. حال برای روشن تر شدن، در مورد هر کدام از این اصول اندکی توضیح لازم است:

که - هدف از "که" شخص و یا اشخاصی هستند که نقش اصلی را در خبر بردارند و یا بی دیگر خبر سازند. "که" می‌تواند نیک و یا بد باشد و یا یک رژیم، یک شخص یا شویا یک گروه. کی - منظور از "کی" زمانی است که خبر در آن

# ستون آزاد

## ابزارهای مدرن و شیوه‌های جدید در ارتبلیغ و سازمانگری هژمونی طبقه کارگر

مشروطیت ابتدا صدور فرمان تحریم و دیگر فرامین مراجع عظام شیعه و سپس شب‌نامه‌های سوسیال دمکراسی (مراکز غیبی) اشکال مناسب برای جاری ساختن روح انقلاب در پیکر جامعه و راضی کردن بدان بودند. سالها بعد مجله "دنیا" بذر آگاهی و اندیشه سوسیالیسم را در میان روشنفکران جامعه پراکند. سخنرانیهای دکتر مصدق در مجلس و اجتماعات مردم تهران، نوارهای سخنرانی روحانیون در سال ۴۲ و بعد از اولین کشتار قسم توسط رژیم شاه و باز اعلامیه‌های مراجع عظام در ماههای بعد از آن تا بهمن ۵۷ و ۰۰۰ همه شکلهای متفاوتی هستند که بموقع خود با توجه به روانشناسی اجتماعی جامعه در رساندن مضمون و پیامی که رسالت رساندنشان به مخاطبین خود را داشتند موفق بوده‌اند. قصه‌های صمد نسلی از انقلابیون را پرورش داد و دستگاه عریض و طویل تبلیغاتی فرهنگی رژیم و از جمله جشنوارهها و دست و دل بازیهای "فرهنگ و هنر" پرورانش قادر نبودند با آثار ادبی محدودی که تیراهای یک تا سه هزارنسخه‌ای داشتند مقابله کنند. شرح قیروانیهای چریک‌های فدائی به تنهایی راهگشای آشنائی چند نسل از دانشجویان و جوانان با سوسیالیسم و انقلاب میشد، و ماهی سیاه کوچولو در هر خانه ماهی‌های سرخ کوچولو را پرورش میداد، دفاعیه گل‌سرخ و دانشیان احترام ستایش انگیز تودمها را نسبت به کمونیستهای برمی انگیزت، اعلامیه‌های گاهای دستویس و اکثرا حاوی شعار چون ندای رسای مقاومت و روشنفکران چپ و ادامه مبارزه، باور به پیروزی در فردای روشن را در دلها برمی انگیزت، اعلامیه‌هایی که صرف پخش شدنشان مهتر از مضمونشان بود.

از طرفی چون بورژوازی ایران به شیوه‌های شاهانه و ارتجاعی بوروکراتیک بوسیله سزارین انقلاب سفید بعنوان یک طبقه اقتصادی هویت مادی واقعی کسب کرده است هرگز لیاقت و فرصت آنرا نداشته است تا چون بورژوازی انقلابی دوران رقابت آزاد سرمایه‌ها در غرب فرهنگ و مدنیت بورژوازی را کسب کند. "فرهنگ" و "هنر" بورژوازی بی عرصه ایران هرگز از "شکوفه نو" و تصنیفهای عربی و کراوات زدن و بکاربردن کلمات فرنگی در زبان فارسی و چسبیدن به "مفاخر ملی" مربوط به دوران مجد و عظمت ایران باستان در عهد بوق فراتر نرفته است. ادبیات برای بورژوازی ایران در قرون وسطی و نهایتاً دوره مشروطیت پایان یافته و در عرصه جهانی از ترجمه چند اثر بلحاظ مضمون اجتماعی بی خاصیت (هرچند بلحاظ شکل ادبی نگارش بسیار پرارزشی) فراتر نرفته است. از طرفی شونیسیم نوکر صفت بورژوازی ایران (نوکر صفت در مقابل غرب) توهین و تحقیر خاصی را علیه خلقهای غیرفارس معمول داشته و در این راه "آکادمیسین"های تباری را هم برای جعل تاریخ و فرهنگ واقعی ایران بخدمت گرفته است. این ویژگیهای بورژوازی ایران بلحاظ تاریخی سدمی در مقابل رشد فرهنگ و ادبیات و هنر ایران بوجود آورده است. اما از طرف دیگر از آنجا که طی دهه‌های متوالی روشنفکران چپ برای مبارزه این کمبودهای ناشی از ناتوانی

ذهنی این استعداد و قابلیت سحرآمیز را داشت که میتوانست کلیه دستاوردهای جدید بشر را در عرصه تکنولوژی مستقیم و غیرمستقیم به لحاظ مادی و لعاب ظاهری دستگاه قهر سرمایه بدل کند.

ذکر چنین مقدمه طولانی از آنجا لازم می‌آید که تبلیغ و اساساً خود مبارزه طبقاتی، فرایند مستقیماً بشمار نمی‌آیند بلکه یک جنگ واقعی پیچیده در دو سوی مقابل تکامل و ضدتکامل مناسبات اجتماعی هستند که نتیجتاً فرارغ از آنچه در جبهه مقابل بوقوع پیوسته و در جریان است نمی‌توان سنتز پیروزمندانهای را طرح و به انجام رساند.

برای پیروز شدن در یک نبرد نابرابر، برای طرف ضعیفتر، تعقیب جزئی‌ترین تغییر و تحول در سازوکار و تاکتیکی نظامی حریف، اهمیت مرگ و زندگی دارد. و بطریق اولی برای کمونیستهای ایران که بدلیل شرایط عمومی جامعه و ناتوانیهای ذهنی داخل جنبش چپ، پیوسته از زاویه بسیار بستهای به دنیای محدود با دیوارهای سبتر مابین فرقه‌ها نظر دوخته، امروز اهمیت زیادی دارد که آیا با مسیونرهای مذهبی در مستحضرات قرن ۱۹ مبارزه میکند یا در دنیائی که عیش مردم جهان به دیدن شنیدن تصاویر و تفضیلات موقوف چهارگوشه دنیا در همان روز واقع، منحصر از سوی کمیونیتی پاسخ گفته میشود که تحت کنترل مستقیم بزرگترین کارتلها و تراستهای بین‌المللی قرار دارند.

وجود شرایط عینی و حتی اعتدالی انقلابی در جامعه هنوز بمعنی این نیست که بدون توجه به شیوه‌ها و ابزار متناسب با روحیات مخاطبین و روانشناسی اجتماعی تودمها میتوان حاصل کار طولانی مدت معماران "افکار عمومی" را که توانستند مفهوم بورژوازی از جهان را بصورت "عقل سلیم" آفتابی کنند، بی اثر ساخت.

بجاست به همه جاگیر شدن سریع دستگاهها روشهای ساختن افکار عمومی هم اشاره کرد که برخلاف تکنولوژی، با سرعت بسیار بالائی راه خود را به دورترین و عقب ماندهترین نقاط جهان باز میکند. آنجاها که هنوز از جاده آسفالته و تراکتور خبری نیست، مردم از درجه بخشهای بین‌المللی رادیوهای غرب و رسانه‌های گروهی و محلی - که از منابع اطلاعاتی انحصارات تغذیه میکنند - به جهان پیرامون مینگردند. واژه‌های "آشوب"، "بی نظمی"، "ناآرامی"، "دمکراسی"، "حقوق بشر"، "منافع حیاتی"، "تروریسم"، "جهان آزاد" و ... در مفاهیم خامی و با بار ویژه سیاسی - اجتماعی از این مجراها جانداخته میشود. این واژه‌ها الفبای زبان روزی را میسازند که توجیه نظم موجود و بسامان جلوه دادن و ایدی معرفی کردن آنرا بعهسه دارد، دستور زبان چنین زبانی هم بنوبه خود از طریق "راسو"، "راکی" آموزش داده میشود.

اگر اینجا بخواهیم بحث را در وجه شخصی آن متوجه عرصه پیکار طبقات در کشور خودمان بکنیم، باید مسئله را در دوره‌های متعدد پیگیری کنیم. در دوره

بیش از نیم قرن پیش، انتونیو گرامشی، انقلابی فرزانه ایتالیا گفت: "... قدرت واقعی نظام حکومتی در خشونت طبقه حاکم یا قدرت با علف و جبر نهفته نیست، بلکه در این است که کسانی که بر آنان حکومت میشود "مفومی از جهان" را پذیرفتند که متعلق به طبقه حاکم است." و در توضیح نحوه تبدیل شدن این "مفومی از جهان" به جهانی بی تودمها میگوید: "... فلسفه حاکم از یک بافت کامل از کسادهای پیچیده‌ای که برای قابل فهم عامه شدن آن صورت میپذیرد، میگذرد تا بصورت "عقل سلیم" آفتابی شود. یعنی بصورت فلسفه تودمهایی که، اخلاق و آداب و آئینهای رفتار مرسوم در جامعه‌ای را میپذیرند که در آن زندگی میکنند."

در این نوشته بحث صرفاً معطوف به ابزارها و شیوه‌هایی است که از یک سو برای آفتابی کردن "مفومی از جهان" بصورت "عقل سلیم" بکار گرفته می‌شود و از دیگر سو "عقل سلیم" طبقه حاکم را زیر علامت سوال میکشد. ابزارها و شیوه‌هایی که به مدد آنها یک قطب افراطی جامعه میکشد ثابت کند که "به دلیل بودن اشیا" و پدیده‌ها، بدانسان که هستند، آنها همانطور که هستند "باقی خواهند ماند و قطب دیگر مضم است با عیان ساختن ناهنجاریهای حاکم بر "اشیا" و پدیده‌ها، بدانسان که هستند" دادخواست خود علیه نابسامانی حاکم بر دنیای موجود را به محکمه تاریخ بقولاند.

از دیرباز طبقات حاکم برای آنکه بتوانند راحتتر حکومت کنند محتاج همدلی طبقات محکوم بودند و برای نیل به این هدف دستگاه مذهب بمثابه شناخته شده‌ترین وسیله - بویژه از ظهور دولتهای فئودالی به اینسو - بکار گرفته شده است. نمایندگان "آسمان" بر روی زمین پیوسته با موعظه درباره تأیید مشروعیت خداوندان قدرت دولتی، سهم خود را از "زمین" به تاراج گرفته شده از حکومتین جامعه، فاصله گرفتند. حتی بعد از آنکه بورژوازی "عقل" خود را جایگزین جبرمقدر آسمان نمود بازهم بطور کامل این دستگاه را از میان ابزارهای مهم سازمانگری هژمونی خود برآهالی به کاری نهاد.

بورژوازی همزمان با تثبیت خود بصورت طبقه حاکم، دستاوردهای تاریخی خود را به بهره‌مندی صرف از تکنولوژی جدید برای کسب سود سرشار محدود نکرد. بلکه در عرصه سیاسی نیز ضمن کنار زدن روینسای پوسیده فئودالی، روز بروز در سایه استحکام پایبدهای اقتصادی خود، تجربه دولتداری خود را غنی تر و پیچیده‌تر ساخت.

با گذشت هر روز راههای خشن اعمال حاکمیت بیادگار مانده از دولتهای قرون وسطائی فئودالیزم را به نفع جایگزین ساختن شیوه‌های نوین حفظ اقتدار سرمایه بر جهان کار، از ویتترین ابزار و شیوه‌های دولتداری خود به پستوی روزهای مبادا و دیکتاتوری های نظامی و غیرنظامی مستعمرات سابق عقب نشاند. بورژوازی دستگاه شکننده دولتهای کهن را در هاله‌ای از سنگرها و خاکریزهای عقلائی جامعه مدنی پناه داد. جامعه

## ● نکاتی در باره اهمیت پالوف گراشی و روانشناسی اجتماعی

بحث و نگارش پیرامون اهمیت روانشناسی

علمی، که پالوف گراشی و روانشناسی اجتماعی اجزاء اساسی آن را شامل می‌شوند، بدلیل درهم تنیدگی اش با فلسفه ما رکیستی (بویژه بسا ما تریا لیسما ریخی)، تاریخ‌شناسی، جامعه‌شناسی، پداگوژی، بیولوژی، فیزیولوژی و... حتی در حد مقدما تیش نیا زبانه نگارش کتاب‌های متعدد و گشودن جایگاه ویژه و گسترده برای بحث دارد.

این نوشته کوتاه، با هدف بیان فهرست وار نکاتی پیرامون پالوف گراشی و روانشناسی اجتماعی و شیوا اهمیت فلسفی و سیاسی این دو مقوله پرا اهمیت در عرصه روان‌شناسی علمی، نگاشته شده است.

آرش (م)



اجتصابی قرار دارد، با نام "پالوف" گره خورده است. ایوان پتروویچ پالوف، بعنوان یکی از نوابغ بزرگ جامعه بشری، علاوه بر ارزش‌های فلسفی و پداگوژیکی آموزش‌هایش، میراث‌گذار دستاوردهای گرانبهای در پهنه فیزیولوژی روان‌شناسی و روان‌پزشکی است، و بیش از ۶۰ سال از ۸۷ سال عمرش را صرف پژوهش‌های علمی بویژه مطالعه گسترده در حیطه جریان‌های فیزیولوژیکی ارگانیسم حیوانات عالی و انسان کرد. فعالیت ۶۰ ساله‌ای که با زده‌آن، تکمیل‌کننده یک مرحله از مراحل تکامل فیزیولوژی، روان‌شناسی، روان‌پزشکی و نیز جراحی دستاوردهای پیراهمیت و پرازشی در عرصه فلسفه و علوم اجتماعی است، با زده‌ای که اندیشگی او را در برابر او در تقابل فرویدسیم قرار داد. اگرچه فقدان شرایط ضروری برای یک زندگی طبیعی، او و بسیاری از مردان علم روسیه تزاری را رنج می‌داد تا شیر سوخته بر کارهایشان می‌گذاشت، اما پالوف که به گفته همکارش "دکتر هورسلی گانت"، "حتی در سن ۷۷ سالگی سبیل نشاط و جوا می‌بود"، هرگز تسلیم چنان شرایطی نشد، شرایطی که علاوه بر بیگردها و فشارهای رژیم دیکتاتوری ضد علم و ضد مردم‌تزاری، دوفروزندش نیز بدلیل شرایط بد زندگی چنان سپرده بودند، در این میان تردیدی نیست که استقامت و همدردی "سارا" همسرش، که همیشه پالوف او را "عزیزترین نیمه وجود خود" می‌نامیدش نقش پرازشی در این تسلیم‌ناپذیری و موفقیت داشته است.

فعالیت‌های علمی پالوف را با توجه به ویژگی‌هایش، چه قبل و چه بعد از انقلاب، می‌توان به دوره تقسیم‌کردن و مورد مطالعه قرار داد:

نخستین دوره، که نزدیک به ۲۵ سال طول کشید، تلاش پالوف صرف نشان دادن اهمیت و نقش نظام عصبی، بویژه مغز، بعنوان تنظیم‌کننده کاروروابط اعضا، مختلف ارگان‌نیم انسان شد. دومین دوره که ۳۵ سال از عمر او را دربرگرفت، دستاوردهای بزرگی چون کشف "تثوری بازتاب‌های شرطی"، پژوهش در باره کارکرد قشر منگیز، مطالعه در مورد پدیده‌های مختلف روانی مانند خواب و رویا، پژوهش در باره بیماری‌های عصبی و درمان تجربی اختلالات عصبی و همچنین عنوان نمودن نظریات و تعاریفی در باره تیب‌های مختلف عصبی و مفاهیم پیچیده‌ای همچون فریزه را به همراه داشت.

تلاش‌های قابل تقدیر او را ز شمن‌دبا و لوف سبب گردید تا در سال ۱۹۰۴ بعنوان برجسته‌ترین فیزیولوژیست جهان، جایزه نوبل را دریافت کند و به عنوان "افشاگر بزرگ وظیفه منگیز" و "آزمایشگر کبیرزما ته" ملقب شود، و که در سال ۱۹۰۷ به عضویت فرهنگستان علوم روسیه منصوب شده بود، بعنوان آزا دیخواهی میانشه، نسبت به بلشویک‌ها خوشبین نبود، اما بعدها بدلیل عملکرد حکومت شوروی نظراتش تغییر کرد، آنگونه که در سخنرانی‌اش هنگام دیدار از زادگاهش "ریازان" به سال ۱۹۳۵ می‌گوید: "... پیش از این علم از مردم جدا بود، لیکن اکنون اوضاع دیگرگونه شده است... من این‌جا را به سلامتی حکومتی می‌نوشم که توانست چنین کند و علم را چنین گرامی می‌دارد و این چنین با حرارت از آن پشتیبانی می‌کند، من جا می‌مرا به سلامتی کشورم می‌نوشم؛ شوری کمیسارهای خلق شوروی نیز به مناسبت هشتادمین سالگرد تولد پالوف، ضمن ارجحاری به تلاش‌های خستگی‌ناپذیر او در زمینه کار علمی، بویژه در رابطه با کشف تثوری بازتاب‌های شرطی، او را در ردیف کلاسیک‌های علوم طبیعی قرار می‌دهد و همراه با تاکید بر فراهم نمودن امکانات لازم برای ادامه کارهای او و همکاران و شاگردانش مرکز مجهزی را برای ارائه پژوهش‌های پالوف در شهرک "کولتوشی" در نزدیک لنینگراد - بطرز سوورگ سابق - فراهم می‌آورد و تا آن شهرک را نیز به احترام پالوف، "پالوفویا" یا "پالوفسکا" می‌گذارند، پالوف که "سراسر زندگی خود را با غمها و شادمانی‌هایش در خدمت علم گذاشت" و تا امید را "خلعت طبقات می‌برنده" می‌دانست و در آخرین پیامش، که در واقع وصایای او بود، به جوانان و همکارانش هشدار می‌داد که خود را به "موزه واقعیت‌های باستانی شده تبدیل نکنند"، در ۲۷ فوریه ۱۹۳۶ چشم از جهان فرو بست.

### اهمیت فلسفی کارهای پالوف

کارهای پالوف، علاوه بر ارزش‌های

از هنگام جدایی روانشناسی از فلسفه، حدوداً صد سال و اندی می‌گذرد، از آن هنگام تا به امروز، روانشناسی با یاری گرفتن از علوم مختلف طبیعی، اجتماعی و فلسفه و در ارتباط با تنگ و متقابل با آن‌ها، هرچه بیشتر با هم می‌گذارد، ضمن تبیین و تکامل علمی خود، اهمیت بیشتری و جایگاه ویژه‌تر در عرصه‌های گوناگون حیات بشر می‌یابد. امروز روانشناسی علمی مشکل‌آزود جزء روانشناسی فردی (روانشناسی عام یا عمومی) روانشناسی اجتماعی، مارکیستی و در ارتباط با تنگ با سایر علوم، پهنه گسترده‌ای را در زندگی بشریت دربر گرفته است. روانشناسی فردی و شقوق مختلف آن، بعنوان بخشی از روانشناسی علمی، گام‌های اساسی و ارزشمند در راه شناخت منشأ، ماهیت، چگونگی تکامل و شکل‌گیری پدیده‌های روانی طبیعی و غیر طبیعی در انسان به پیش برداشته و در حیطه پسخوئی روشن و مشخص به مساله‌های فلسفه نیز نقش ویژه خود را به نمایش گذاشته است. روانشناسی اجتماعی مارکیستی نیز بعنوان جزء دیگر روانشناسی علمی، در تلاش برای شناخت روان اجتماع یا "روحیه جامعه" که با ورمبارزین و انقلابیون در راه اتخاذ سیاست‌های اصولی و انقلابی برای به پیش راندن جامعه بشری ست، گام‌های اساسی برداشته است.

به اختصار و گذرا، به هر کدام از اجزاء نظری می‌اندازیم:

### در باره پالوف و پالوف گراشی

روانشناسی علمی، بویژه جزء روانشناسی فردی و شاخه‌ها و مکاتب پیرامونی و وابسته به آن که در ارتباط و تنیدگی متقابل با روانشناسی

● نقد تئاتر

شویک در جنگ جهانی دوم

شویک  
در جنگ جهانی دوم  
SCHWEYK  
Im Zweiten Weltkrieg



نمایش تئاتر  
گروه تئاتر باربد  
Regie: A. Tocha  
تاریخ اجرا: ۲۰ ژوئیه  
ساعت: ۳ ساعت  
Datum: 2. Juli 88 20 Uhr  
Dauer: 3 Stunden

ناشیانه و درهم و سزدرگم بازیگران در کل اجرائی مایوس کننده را باعث شده است. شاید مطالعه بیشتر و دقت در انتخاب کارهای جمع و جورتر و درحد ظرفیت، موفقیت بیشتری را برای گروه تئاتر باربد بیارود. از کار ضعیف کارگردان که چشم بیوشیم، در این اجرا از بازیگری که بازیگر نقش شویک با اندوخته‌های نسبی بازیگری خود پیش میبرد. او سعی میکند کاریکاتوری هرچند ناخته از نقش شویک را ارائه دهد، که متأسفانه این مسئله فقط در میمیک چهره او خلاصه میشود. او اصرار دارد که میمیک چهره خود را با طرح آقیس (سرباز دوچهره) همگون و همسان سازد. و باید گفت که از نظر بیان دیالوگها او تنها بازیگری است که شما شاگرگفته‌ها بیش را می‌فهمد. شاید اگر اوستی نمی‌کرد که شما شاگران را بخندانند، در ارائه نقش شویک موفق تر از این می‌بود. نوع دوم می از بازیگری را با زیرنقش با لون جلومی بسرد، که اصلا یک شیوه متفاوتی است. چیزی که او از بالون ارائه میدهد بیشتر تماشاگران را یاد شخصیت های نمایشنامه‌های چخوف می‌اندازد تا، شخصیت بالون برتولد برشت. البته بازی در سکوت خوب او درطی اجرا نیز یکی دیگر از تفاوت ها است. باقی بازیگران بی امان و سرگردان در صحنه رهاشده اند و هر کسی مشغول کار خود است، که این هجوم سومی از شیوه بازیگری است. در کل، اجرای شویک توسط گروه باربد اجرائی است بیگانه با بیگانه سازی.

اکنون حقیقت ساده را بیاموز.

اینک چندان دیر نیست.

اکنون الفبا را بیاموز.

این کافی نیست، اما همان زاهیماموز.

کلی - علی

برشت -

اجرائی ناصحیح و ناموفق

از يك اثر برجسته نمایشی.

نویسنده: برتولد برشت

کارگردان: آ - توکا

اندیشیدن، نوشتن، یا تهیه يك نمایش، بمعنای: دیگرگون ساختن جامعه، و بازیابی دقیق عقاید نیز هست. - برشت -

اوج زندگی تئاتری برتولد برشت (۱۸۹۸-۱۹۵۶)

بعنوان يك نمایشنامه‌نویس، نه بعنوان يك مرد تئاتری، تقریباً بین سالهای ۱۹۲۷-۱۹۴۴ می‌باشد. هم در این سالهاست که برشت در آمریکا در حالت تبعید بسر میبرد و همکاری نزدیکی با کارگردان معروف تئاتر اروپایین پیسکاتور دارد. نمایشنامه شویک نیز که نشاندهنده گستاخی عجیب و غریب برشت در بررسی مسائل است، با يك شاه نقش تئاتری (شویک) به این دوره از زندگی او متعلق است (۱۹۴۱-۴۴). برشت، شویک را چنین ترسیم میکند: "شویک يك فرصت طلب است. او به هیچ وجه نباید يك خرابکار آب زیرکاه و کلک از آب دربیاید. او فقط و فقط فرصت طلب است، در کمین کوچکترین فرصتهایی که برایش باقی مانده." دست به اجرای آثار بزرگ نمایشی زدن بدون داشتن آگاهی و تجربه کافی میتواند لطمه بزرگی به اثر نمایشی باشد. اجرای ناصحیح و ناموفق شویک توسط گروه تئاتر باربد از آن دست اجراهاست. این اجرا نما یشگر عدم آگاهی کارگردان از مقوله تئاتر و تراپیک می‌باشد.

کارگردان با حذف دو میان پرده و يك پیش پرده و جایگزین کردن يك پرده بزرگ نقاشی شده کمر گل بی معنی می‌نماید، نمایشنامه را از طبیعت نمایشی خود دور ساخته است. برتولد برشت در نمایشنامه شویک در جنگ جهانی دوم تحت تاثیر دیکتاتور بزرگ (چارلی چاپلین) است. و این تاثیر برشت از چارلی چاپلین دقیقاً در همان صحنه‌های تجلی پیدا میکند که توسط کارگردان حذف شده است. برتولد برشت با کاریکاتورسازی در میان پرده‌ها و با استفاده از میان پرده در سراسر نمایشنامه هایش به سیستم خود (بیگانه‌سازی) معنی میبخشد.

کاریکاتورسازی برای برشت دست آویزی است جهت بیگانه سازی بیشتر، چرا که برشت با بیگانه‌سازی میخواهد که تماشاگر در سالن تئاتر بعنوان داروین‌شنید. او کوشش نمیکند که تماشاگران را با احساسات درگیر کند. برشت بر این اعتقاد است که هرآن چه در صحنه میگذرد باید با دیده انتقادی نگریسته شود و اندیشه تماشاگر میباید که کجگو و بیدار نگاه داشته شود. تا بتوان دنیا را برایش تصویر کرد. وقتی تماشاگر رودرروی واقعه قرار گیرد با استدلال به مرحله شناخت و تمیز میرسد. برشت انسان را انسانی دگرگون شونده و دگرگون ساز می‌بیند و بر پایه همین اعتقاد است که میگوید: "دنیا را به تماشاگران تصویر کنید تا در تغییر آن بکوشند." کارگردان با حذف بخشهای یاد شده و درک اشتباهی از نمایشنامه و سبک کار برتولد برشت، وهدایت

فراوانش در پهنه علوم طبیعی و اجتماعی، از اهمیت فلسفی - ماتریالیستی ویژه ای برخوردار است. او با تلاشی شجاعانه و خستگی‌ناپذیر در راستای پاسخگویی روشن و مشخص به مسأله اساسی فلسفه، یعنی چگونگی رابطه ماده و شعور (عین و ذهن) و رابطه شعور انسانی با واقعیت جهان مادی خارج و اعتبار شناخت انسانی، کام‌های اساسی و ارزشمندی برداشت. پیش از پاولوف، دانشمندان دیگری نیز در این رابطه کام‌های پرشماری برداشتند که از آن‌ها میتوان از "ایوان سجنوف" آموگزار پاولوف و "پدرفیزولوژی روسیه" نام برد. لنین که بعد فلسفی - ماتریالیستی روانشناسی سخت مورد توجه اش بود و جریانات روانشناسی ماتریالیستی روسیه را دنبال می‌کرد در "دوستان خلق کیا ننسندو چگونه با سوسیال دموکرات‌ها مبارزه می‌کنند"، می‌گوید: "او (سجنوف) که یک روانشناس علمیی است، تئوریهای فلسفی را جمع به روح را بسودور انداخته است و مطالعه‌ای مستقیم در مورد زیر پایه - های مادی پدیده‌های روانی، یعنی روند عصبی را آغاز کرده است." لنین برای تلاش‌های پاولوف و دستاوردهای حاصل از آن تلاش‌ها نیز ارزش بسزائی قائل بود، چرا که پاولوف بدور انداختن "تئوری - های ارتجاعی و پیوسیده در باره روح" را با تکیه به یافته‌های علمی قابل اتکاء ترویه‌گونه‌ای شجاعانه انجام می‌داد. لنین در ۲۴ ژانویه ۱۹۲۱ کتیبسا دستور می‌دهد که "شرایط مناسب برای زندگی پاولوف و همسرش و نیز امکانات کافی برای آزمایشگاه و کارهای پژوهشی اش فراهم شود" و ماکسیم گورکی پیشبردا این وظیفه را بعهده می‌گیرد.

پاولوف که محتوی اندیشگی اش را جهان بینی ماده‌گرائی و دموکراتیسم انقلابی تشکیل می‌داد، تحت تاثیر آموزش‌های فلسفه مارکسیستی، نظریه داروین و دیدگاه‌های آموگزارش سجنوف قرار داشت. او که آگاهی‌اش در مورد اسلوب دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی کمبودها نداشت، با اتکاء به درک علمی قوی و شیوه شناخت، پژوهش و عملش و نیز با استفاده از چهارگرایش فکری فلسفی و روانشناسی "تداعی گرائی، فیزیولوژی گرائی، آزمایش گرائی و تکامل گرائی" در چارچوب ماده‌گرائی مونیستی (فلسفه‌ای که میان روح و ماده جدائی قائل نمی‌شود و منشاء پیدایش جهان را عنصری واحد می‌داند)، ضمن کاهش تاثیر کمبود آگاهی‌اش پیرامون اسلوب دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی، همراه با متکامل تر کردن روانشناسی علمی به کشف بزرگ خود، کشف "تئوری بازتاب - های شرطی" نائل آمد.

ادامه دارد

از سرگیری روابط دیپلماتیک با انگلستان

بنا به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، دولت انگلیس بزودی يك ديپلمات در سطح دبیرواؤل به تهران اعزام خواهد کرد. در همین رابطه کاردار ایران در انگلیس اعلام کرد که "جو مناسبات دو کشور در حال بهبود است".

دولت انگلیس در حال حاضر تنها کشور اروپایی است که با ایران روابط دیپلماتیک ندارد. مارگارت تاچر، نخست وزیر انگلیس، هفته پیش در اینمورد گفت "دولت وی مایل به ادامه تیرگی مناسبات دو جانبه نیست و اظهار امیدواری کرد که قدمای سیاسی اخیر دو کشور به بهبود روابط بیانجامد".

و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت به مردم ایران هشدار داد که "میاد با خود وعده دهید و بفکر خوش گذرانیهای پس از پایان جنگ و برقراری صلح باشید و فکر کنید پایان جنگ یعنی رفاه طلبی و این معنا سه هیچ وجه، مصلحت انقلاب اسلامی نیست". او در همین رابطه اضافه کرد که اگر قبلا ایران تن به صلح میداد "این همه برکات و فیوضات را نداشت" و اگر قبول قطعنامه باخت جنگ باشد قبل از ما صدام باخته است، زیرا او از اول بدون قید و شرط قطعنامه را قبول کرده است، حالا بازی درمی آورد. پس هم او باخته و هم ما... او دوسال قبل باخته و ما حالا لابد برندهای هم نیست."

بازهم قطع اعضای بدن انسان در سلاخ خانه نقها

بنابه گزارش روزنامه کیهان مرداد ماه، ۶ سارق مسلح به قطع دست و اعدام محکوم شدند.

این افراد که به اتهام "سرقت مسلحانه" و "تجاوز به عفت" دستگیر شدهاند، در تالار جنایی دادگستری تهران به ریاست حجت الاسلام قدرتی محاکمه شدند. این افراد همگی در مرحله اول به قطع دست، پرداخت دیه و تعزیر محکوم شدند. پس از اجرای این حکم چهارتن از آنان اعدام خواهند شد. حجت الاسلام قدرتی خود در مورد اجرای حکم این افراد در مصاحبهی به کیهان گفت "دادگاه با شوری طولانی جنایات متهمین را در ابعاد مختلف مورد بررسی قرار داد... چهارتن از متهمین را به دلیل ارتکاب زنا به عفت به اعدام و بخاطر سرقت مسلحانه به قطع ید و بخاطر ایراد ضرب و جرح... به پرداخت دیه محکوم کرد... دو متهم دیگر بدلیل شرکت در سرقت مسلحانه و ایراد ضرب و جرح به قطع ید و پرداخت دیه محکوم شدند و از آنجا که جنایات این عده همراه با ارتعاب و وحشت بوده است کلیه متهمین تعزیر خواهند شد".

نقد هنری در حصار روحانیون

این واقعیتی است که میگویند هنر در هر شرایطی زبان خویش را برای گفتن پیدا میکند. در جمهوری اسلامی نیز هنر بعد از گذرانیدن نراز و نشیبهایی کم کم دارد خود را بازی یابد. رژیم برخلاف اوائل انقلاب که میخواست هنر را نابود کند، با عدم موفقیت در این زمینه، اکنون سعی میکند آنرا به خدمت خویش درآورده، از آن بفتح خویش بهرهبرداری کند ولی تنگ نظری رژیم چیزی نیست که بتواند در این زمینهنیز یاری اش نماید.

یکی از پدیدههای جالب هنری که اخیرا رژیم از آن احساس خطر میکند پدیده نقد هنری است. ماجرا از این قرار است که با پاکبازی چند نشریادبی و هنری، نقد نیز کم کم وارد میدان شد. ولی دیری نپایید که خشم آخوندها را برافروخت. چرا که آنچه توسط نقادان به نقد کشیده شده بود درست همان چیزی است که رژیم سانسورش کرده بود. در همین رابطه است که چند نشریه اعلام کردهاند که از این پس نقد نخواهند داشت.

نقد فیلم در این عرصه تنگ ترین میدان را دارد. دربی نوع چند نقد فیلم در نشریات بخصوصی نشریه "فیلم"، این نشریه، نامههایی از کارگردانان مبنی براینکه آنچه مورد نظر نقاد است، درست و آنچه چیزی است که توسط وزارت ارشاد سانسور شده، دریافت کرده است و براین اساس است که نشریه "فیلم" اگر تصمیم ندارد نقد فیلم داشته باشد. این خود سانسوری حماری است که هنرمندان برای خویش درون حماری که روحانیون برایشان ساختند، ایجاد کردهاند. بر این اساس هر چند نمی تواند قابل قبول باشد ولی نشانی است از ورستگی رژیم در این عرصه.

موسوی اردبیلی: هم صدام باخته و هم ما

موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور رژیم در خطبهای نماز جمعه تهران، در رابطه با پایان جنگ

**مورد نیاز**

شرکت اروپایی  
آپارتان - ویلا  
جهت سکونت یا محل  
۲۲۴۴۵۵ - ۲۲۴۴۵۵  
ش ۸۳۳۷

**نیاز خرید فوری برای سفارتخانه**

یکسنگه ویلا یا دو طبقه مستقل با ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ متر زمین ۲۰۰ تا ۱۵۰۰ متر بنا در نیاوران فرمانیه زعفرانیه محمودیه در سطح عالی فوری خریداری میشود  
۲۲۴۵۴۲ - ۸۴۸۴

**شرکت فرانسوی**

برای سکونت و محل کار  
نیاز فوری  
۲۲۴۵۴۲

**دیپلمات خارجی**

ویلا لوکس تمام مبله با استخر و تلفن  
آفریقا - آفریقا - زعفرانیه فورا نیاز  
۲۲۴۵۴۲

**به یک ساختمان**

در سه طبقه به بالا جهت خرید یا اجاره یک شرکت  
۲۵۰۸۱۸۸ - ۲۵۰۸۱۸۸  
ش ۱۰۱۴۳

**مورد نیاز اجاره**

شرکت ژاپنی  
جهت سکونت به ویلا یا آپارتان  
مبله یا غیر مبله در شانشهر  
نیازمند است  
۲۳۶۳۳۸ و ۲۳۶۳۳۸  
۹۳۷۱

**مورد نیاز اجاره**

شرکت اروپایی  
آپارتان - ویلا  
جهت سکونت یا محل کار

ایران: میعادگاهی تازه

این نوع آگهی ها نیز فراوان خواهد شد. آنان می آیند تا آنچه را که از دست داده اند دوباره باز یابند.

آگهی هائی که مشاهده میکنید تنها نمونههایی هستند از يك شماره کیهان. اخیرا هر روز مطبوعات ایران شاهد تعداد فراوانی از این نوع آگهی هاست. طبیعی است با گسترش روابط ایران بادل امپریالیستی

چاپ کتاب از دید آمار

درشما هه اول سال ۶۶ با زیرنزولی پیمودوبه ۴۵% رسید. در این سال (شما هه اول) از ۳۱۰۳ عنوان کتاب تنها ۹۵۳ عنوان چاپ اوا. بودند. درکنار این آمار به این نکته باید توجه داشت که کثرت این عنوانها، کتابهای مذهبی می باشند.


در سال ۱۳۴۴ جمعا ۵۲۳۳ عنوان کتاب در ایران چاپ شده است که از این تعداد تنها ۵۷% آن یعنی ۲۹۷۲ عنوان چاپ اول بودند. این رقم در سال ۶۵ به ۴۹% برای چاپ اول رسید. یعنی از ۳۹۸۰ عنوان کتابی که در این سال از چاپ خارج گشت، تنها ۹۸۰ عنوان چاپ اول بودند. این رقم

تصحیح و پوزش:

در پیام کارگر شماره ۲۴ عنوان "بنیانگاری" به غلط "بنیانگاری" چاپ شده، که بدینوسیله اصلاح میشود. همچنین شعر ناظم حکمت به نام "آنها"، ناقص چاپ شده است که در اولین فرصت اصلاح شده آن لوح خواهد شد.

**پیام کارگر**

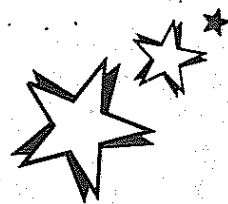
**همکاری کنید!**





# اوین، جاده‌ای از شمشیر

-۵-



تمیز کردند و همگی لباس نو و با رنگهای شاد پوشیدیم و با عجله در صف دستوشی بودیم که قبل از سال تحویل در اتاق باشیم، عده‌ای نیز در حال صبحانه خوردن که دیدیم عده‌ای خواب با کمک مسئول بند (بختیاری معروف) با دادن شاعر مغول وار وارد اتاق شدند مشتها را جلوی چشمان ما می‌گرفتند و تهدید می‌کردند و مرگ بر کمونیست و... ما بنا نیشخندی نگا هتان می‌کردیم و با لایحه ساکت شدیم و مسئول بند شروع به فحاشی کرد و بیچه‌ها می‌گفتند که هنوز دستوشی نرفته بودند با عجله بفرمان دوییدند و بقیه بیچه‌ها خارج از نوبت اجازه دادند هم‌اتاقی‌های... (متاسفانه قسمتی از گزارش از بین رفته است) بفره هفت سین را به همراه سبزه و گل و شیرینی، و تلویزیون و غیره را بردند و با فحش و داد و گاه تاساق می‌بروندند! و بلافاصله در اتاق بسته شد. ما در سکوت سنگینی که بر اتاق حکم فرما شده بود سال ۶۲ را آغاز کردیم، به همراه زدن آذوقه‌ای که همیشه پس از کالی انتظار از فروشگاه زندان می‌خریدیم، ساعتها می‌گذشت و یکسری از بیچه‌ها احتیاج به توالیت داشتند، هر چه در می‌زدیم کسی اعتنا نمی‌کرد، دوستانمان در اتاق دیگر از برایمان آب می‌آوردند که آهیم غوغا می‌شد، تا ساعت ۴ بعد از ظهر ملا خبری نشد، انگار رنه انگار که ساعت گذشته و احتیاج به توالیت است، بخصوص که اکثرمان از احتیاج کلیه‌ها شدند شروع کردیم بلا نقطه بعد از کوبیدن، ساعت ۴/۵ دربار زدن وظرف غسذ را آوردند، ما گفتیم اول می‌رویم دستوشی گفتند همیشه، گفتیم غذا نمی‌خواهیم گفتند عذاب غذا حساب شده و با شما بدتر بخورد و ما هم کرد، تا غذا را نخورید و ظرف خالی را ندهید دریا نمی‌شسته، تصمیم گرفتیم بخوریم و آن‌ها می‌گفتند که وضعشان خیلی خراب است نخورند و غذایشان را در جاتی مخفی کنیم، ظرف خالی را بیرون فرستادیم به امید این شدن در، این مرتبه فلاسک چای آمد که با دیدن آن را خالی تحویل بدهید! واقعاً قیافه و وضعیت بیچه‌ها اسفناک بود، عده‌ی زیادی از در به خود می‌پیچیدند و بقیه هم با حالت عصبی و متشنج با همه رنج آن را خوردیم چون عده‌ای طوری وضعشان شده بود که حتی نفس می‌کشیدند از درد بخود می‌پیچیدند بنا بر این قرار شد عده‌ای که هنوز در آن وضعیت نیستند و کمی بهترند چای اما فیه بخورند، با توجه به اینکه در اتاق ما چندین مادر پیر، یک زانشو و مادری که روزهای آخر باردار را می‌گذرانند وجود داشت، با لایحه ساعت ۷ بعد از ظهر بعد از ۲ ساعت عده‌ای نیز نتوانسته بودند صبح به دستوشی بروند دربار زدن برای رفتن به دستوشی، مسئول بند با فریاد و فحش و تمسخر توهمین گفت ۳۰ دقیقه وقت دارید! برای نزدیک ۹۰ نفر، با اینکه همه

یکه ز صبح خیلی زود حدود ساعت ۴ و ۵ با صدای بلند می‌گفتند که زحیاط بند می‌آید پیدا شدیم، دختری همینطور بلند ناگهانه بیچه درس می‌دهد حرف می‌زد، اعداد را می‌شمرده، حروف الفبا را رسی و انگلیسی... و هر چند گاه فریادی بر سر بیچه‌ای که به درس گوش نمی‌دهد، از آنروز به بعد هر روز همان موقع با صدای او پیدا می‌شدیم، همینطور مستقیم روی روی خود را نگاه می‌کرد و حرف می‌زد، پس از مدتی فهمیدیم او صبح تا شب و شب تا صبح در بند همینکار را می‌کند و آنقدر بیچه‌های بند با شین را کلافه می‌کند که صبح زود او را به حیاط می‌فرستند، پس از مدتی او نیز جزو مقودین بود.

یکروز با صدای جیغ دختری از بند پاشین بطرف پنجره‌ها تاق رفتیم، شیشه‌ها را رنگ زده بودند و ما به اندازه یک چشم‌رنگ آسرایاک کسره بودیم، دیدیم دختری می‌خواهد بیاید بیرون و عده‌ای نمی‌گذارند، فردای آنروز دوباره دیدیم می‌خواهد بیاید زور همان دختری که خودش را به حیاط رسانده به داخل ببرد و دور او چادرانداخته و او می‌چادر می‌اندا زد و او ملا لباس به تن ندارد... فهمیدیم او نیز جزو دیوانگان است که نمی‌دانیم چرا؟ ولی او هر روز می‌خواست خود را به هوا خوری برساند و لوخت شود و چون دور تا دور هوا خوری پاساها بودند، نمی‌گذاشتند.

یک مادری را آوردند و او نیز مرتب دور و در اتاق راه می‌رفت و بیچه‌ها نمره انضباط می‌دادند که مثلاً ناخن تو کمی بلند و لبها سها بیت تا مرتب است پس نمره انضباط فلان می‌شود و پس از مدتی از صبح تا شب لباسهایش را زیر بغل زده و راه می‌افتاد و بطرف در بند که منوصدا زده اند و قراره آنرا زده شود، حتی نیمه شب به زور او را می‌خواستند با ندیم او را با عصا نیت داد می‌زدند که شما نمی‌فهمید اگر شروع دیگر مرا زاده نمی‌کنند و او نیز پس از چندین ماه از بند ما رفت.

عید در راه بود و ما هم خود را آماده می‌کردیم! با دستمال کاغذی های رنگی گل‌های زیادی درست کردیم و از سه میه شام چند تخم مرغ را نگاه داشتیم و شب قبل از عید نیز چند تا از بیچه‌ها از سه میه خرما و انجیر تمسیم گرفتند شیرینی درست کردند بی‌نصورت که آنها را خیس کرده و له کردند و بوبین نان که قبلاً در بین شوقا ز شک کرده بودند گذاشتند، البته به آخر کار نرسیدند، این کارها از چشم تو بین دوری مانده بود و آنها از شب قبل در راه رو نوحه می‌خواندند و می‌گفتند ما عید نداریم، صبح از اول وقت دسته سینه زنی راه انداختند که جنگه و ما عید نداریم و ما اعتنا نمی‌کردیم، ساعت ۸ صبح سال تحویل می‌شد و بیچه‌ها اتاق را

سعی می‌کردند در کمترین زمان از توالیت خارج شوند که همه بتوانند بیرون دولی پس از ۳۰ ثانیه مسئول بند با لگد به در توالیت می‌زد که محکم می‌خورده آمدیم و با تحقیر فریاد می‌زدیم بیرون، در این فاصله با بی نظریهای غذا را می‌شتیم همینطور کهنه بیچه و درست بعد از نیم ساعت در بسته شد.

ساعت بعد در راه با زدن که بروی دستوشی!! و دفعه سوم ساعت ۴ صبح و این فاصله ساعتی هر روز تکرار می‌شد فاصله یکبار ۱۲ ساعت.

یکی از بیچه‌ها نمی‌توانست در راه کند که به بهداری برسد و سوزند زدن، تا ۱۵ روز در راه بسته شد و آنها می‌گفتند که تا بحال ناراحتی کلیه و مثانه نداشتند گرفتند و تا زه پس از زدن در آن چند نفری را که تورا بین دیده بودند شیرینی درست می‌کنند را نیز برده و پس از دوروز با پایهای شکنجه شده وارد شدند، تلویزیون اتاق ماها نیامد.

خوبیختا نه پس از زدن در ما در اتاقمان برای زیمان به بهداری رفت، بدلیل آنکه موقع دستگیری تا زها ملبه بود و ۷ ماه در انفرادی بود و بعد هم ممنوع الملاقات، خانواده‌اش نمی‌دانستند او حالمه است، یک هفته قبل از زیمان نش به اولیسن ملاقات رفت و خانواده بلافاصله برای بیچه لباس آورد، در صورتیکه از چند ماه قبل مرتب به مسئولین زندان می‌گفت که به خانواده‌اش بگویند، موقع زیمان هیچی برای بیچه نداشت، حتی خودش لباس حالگی نداشت و بیچه‌ها با پارچه‌های لباس خود برای او لباس دوخته بودند، وقتی او را برای زیمان بردند فکر کردیم او چگونه می‌خواهد بیچه را از بهداری بیاورد؟ تنها یک سوزن در اتاق بود با اصرار زیمان دیگری تمسیم شروع به پاره کردن لباسهای نو خود کرد و با آنها لباس نسوزاد دوختیم، یکی از پیتوها را با سختی پاره کردیم، قیچی نداشتیم و فقط از در قوطی گرم "تیزی" درست کرده و یک تشک و لحاف برای بیچه درست کرده و روی آنها را با پارچه لباس نولافه کردیم، پس از یکروز ما در به همراه نوزادی که در یک پارچه پیچیده شده بود، آمدیم حتی لباسهای دوخته شده ما را برای او نبردند و وقتی وارد اتاق شد و لباسهای دوخته شده را دیدند نتوانستند جلوی اشکهای خود را بگیرد، می‌گفت همیشه هر مادری تولد اولین فرزندش را فراموش نمی‌کنند، من تا آخر عمرم فراموش نمی‌کنم، از وضعیت بهداری می‌گفت که وحشتناک بوده، یک ما ما با کمتر با ما کانات بیچه را بدنیا می‌آورده که نیا بدهیج صد در می‌مد، و همینکه بیچه بدنیا می‌آید، با بیخود در هر وضعیتی که بود کارهای خود بیچه را اند و با توجه به اینکه وضعیت آنجا بسیار غیر

پاکستان

پیوند با متحصنین

پلیس پاکستان می افتد. او بدو بطرف پلیس رفته و با پرداخت مقادیری رشوه از پلیس میخواد که چند تن از ایرانیانی را که به او "توهین" کرده بودند، دستگیر نماید. پلیس پاکستان نیز اقدام به دستگیری چند تن از پناهندگان ایرانی میکند. در قرارگاه پلیس، از ایرانیان پناهنده به زور خواسته میشود که از مزدور رژیم عذرخواهی کنند. همچنین پلیس پاکستان "انجمن فرهنگی ... را به بهانه عدم رعایت شئون اسلامی در مراسم، اجرای برنامه کومنیستی و توهین به دولت پاکستان به دو هزار روپیه جریمه محکوم میکند. "انجمن فرهنگی پناهندگان" نیز جهت جلوگیری از سوءاستفاده رژیم پاکستان، با پرداخت "جریمه" اقدام به آزادی ایرانیان دستگیر شده میکند و قضیه را فیصله میدهد.

بیانیه "معترضین ۲۴ ژانویه" - اجرای چند سرود انقلابی توسط گروه کر - اجرای سه نمایشنامه - موسیقی و آواز فارسی - موسیقی لری، بلوچی و ارمنی - برنامه کودکان - رقص قاسمآبادی و یک ترانه شمالی - تکوازی نی و کمانچه، و بالاخره رقص قوچانی در حاشیه این مراسم سائلی بوجود آمد که در زیر مختصراً به آن اشاره میکنیم: در حین اجرای برنامهها، پناهندگان بلوچ ایرانی متوجه حضور یکی از مزدوران شناخته شده رژیم ایران (که در زمان شاه نیز ساواکی بود و اهل سراوان بلوچستان میباشد) در میان تماشاگران میشوند. جریان را فوراً به انتظامات اطلاع میدهند. در بازرسی بدنی از مزدور رژیم، علاوه بر ریاسپورت، جواز حمل اسلحه (صاحبه) از طرف سپاه و همچنین نامهای برای وزارت کشور پاکستان پیدا میشود. مزدور فوق در هنگامه بحث با چند تن از ایرانیان پناهنده، چشش به یکی از افسران

در روز ۱۳ جولای، کراچی شاهد اجتماع بیش از ۴۰۰ نفر از ایرانیان پناهنده در یکی از سالنهاي تئاتر شهر بوده است. این مراسم هنری و فرهنگی که به همت "انجمن فرهنگی پناهندگان و آوارگان ایرانی-کراچی" سازماندهی شده بود، تجلی استواری بود از پیوند و همبستگی پناهندگان ایرانی با "معترضین ۲۴ ژانویه". لازم به تذکر است که حدود ۲۰ آواره ایرانی، بمدت ۶ ماه است که در جنب دفتر UN شعبه کراچی، برای دستیابی به حقوق پناهندگی، نشت به اعتراضی و تحمین زمانند. اما مقامات UN کراچی در نهایت بی - مسئولیتی، تاکنون جواب مثبتی به تقاضاهای معترضین ۲۴ ژانویه ندادند. مراسم هنری - فرهنگی ۱۳ جولای بلحاظ تنوع و کیفیت، نسبتاً مطلوب برگزار شد. در این مراسم برنامههای متنوعی بروی صحنه آمد که عبارت بودند از: بیانیه "انجمن فرهنگی ..."

تشکل یا بی پناهندگان بلوچ در کراچی

مردن در اینجا را ترجیح میدهم

پناهندگان ایرانی که در ۲ اوت خیر پسن فرستادن خود را شنیده بودند اضافه کردند: اگر وضعیت بخواد به همین صورت ادامه پیدا کند و تحویل ما به جنایتکاران رژیم تحقق یابد ما در همینجا خود را آتش خواهیم زد. "ما مردن در اینجا را به اعدام در ایران ترجیح میدهم." "ما بخاطر جان خود از کشورمان فرار کردیم نه پس فرستادن به ایران". منشی مسئول حزب SHP در وان آریف آگار در حالیکه اظهار میداشت پس فرستادن فراریان زیر پا گذاشتن حقوق انسانی است، گفت ایرانی های فراری که بسه ساختمان حزب پناه آوردهاند تا زمانیکه از مرکز حزب جواب نیامده مهمان ما خواهند بود. در ادامه این ماجرا، پناهندگان طی تلگرامی به رئیس جمهور و وزیر کشور ترکیه خواستار آن شدند که بتوانند به يك کشور سوم مهاجرت کنند. این برای چندمین بار است که دولت ترکیه پیشنهاد پناهندگان ایرانی را بپذیرد.

اخیراً پناهندگان و آوارگان بلوچ ایرانی مقیم کراچی، جهت دفاع از حقوق مسلم پناهندگی خویش (که UN ایرانی یا بلوچهای پاکستان، از برسمیت شناختن آنها خودداری میوزد) دست به تشکیل "کمیته پناهندگان و آوارگان بلوچ ایرانی" زدند. پناهندگان بلوچ بابرپائی مجمع عمومی، اعضای کمیته هماهنگی تشکل را انتخاب نمودند و در اولین اعلامیه خویش کمیترخ ۱۲/۷/۱۹۸۸ صادر گردید، به بررسی وضعیت اسفبار پناهندگان بلوچ پرداختند. در قسمتی از اعلامیه "مردن جنین میخوانیم: "ما می برسیهبر کدامین قوانین UNHCR با سواد بودن ملاحق پناهندگی و مهاجرت است؟ در کدامین قوانین UNHCR نزدیکی فرهنگی داشتن باعث میشود که افراد از حمایت UNHCR محروم گردند؟ دولت پاکستان از برسمیت شناختن پناهندگان ایرانی خودداری میکند، دست توریستهای رژیم ایران در سرکوب و بسه مخاطره انداختن زندگی و امنیت پناهندگان و آوارگان بطور عام و پناهندگان و آوارگان بلوچ بطور خاص، باز است (همین دو ماه پیش يك پناهنده بلوچ در کراچی ترور شد)، پناهندگان آوارگان بلوچ از امکان تحصیل و داشتن شغل و کار، و حتی انجام سفر و ... محرومند."

اعتراض علیه کشتار روحشیا نه

۲۹۰ مسافر هواپیمای غیرنظامی سوئد

بمنظور اعتراضی بر علیه جنایت امپریالیزم امریکا در خلیج فارس و جنگ طلبی رژیم جمهوری اسلامی، رفتای ما در گوتنبرگ در روز شنبه ۱۴ ژوئیه ضمن برگزاری میز کتاب در مرکز شهر دست به يك آکسیون افشاگرانه در همین زمینه زدند. در این آکسیون که بیش از سه ساعت بطول انجامید، تعداد کثیری از اعلامیه کمیته خارج از کشور سازمان در مورد این جنایت به زبانهای فارسی و سوئدی در بین مهاجرین و پناهندگان ایرانی و شهروندان سوئدی پخش گردید. در همین رابطه از سوی گروهی از پناهندگان ایرانی و شیلیایی در شهر راد سوئد راهپیمایی به تاریخ ۱۲ ژوئیه صورت گرفت. راهپیمایان در پایان قطعنامهای علیه رژیم جمهوری اسلامی، جنگ و تجاوزات امپریالیسم آمریکا در منطقه خلیج فارس صادر کردند.

اوین جادهای از ...

و کشف بود خود ما در ترجیح میداد در همان ساعتی اول به بند آورده شود. در اتاق رفقای اوسعی میگردند هر کدام کارهای شستن کهنه بچه و یا آبگرم برای شستن بچه را انجام میدهند مدت مدتی که حال مادر بهتر شود. غذا برای ما درزا شوهیج فرقی نمیگردد، همان غذای بدون کیفیت، خود بچه های اتاق برای ما در دو سه قسمت تقسیم میگردند. در اتاق ۹۵ نفره با دو پنجره کوچک دوشوزا دنیز بودند که شبها وقتی بیدار شده و گریه میگردند بیدار ما را در دست و پا پیش راگم میگردند و سخت در عذاب قرار می گرفتند که بچه اش هم را بیدار کرده و هر چه همه به او می گفتند آخه مگه میشه جلوی دهن بچه نوزاد را گرفت بگذازگریمه کند ولی خود ما در معذب بود.

علیه استرداد پناهندگان ایرانی ها نو فر - آلمان فدرال

در اعتراض به عمل جنایتکارانه دولت ترکیه در استرداد پناهندگان ایرانی به ایران که خبر آن در همین شماره رهیبا مکارگردرج شده است، از سوی کانون پناهندگان سیاسی شهرها نو فر بمدت ۲۴ ساعت در تاریخ پنج شنبه ۲۵ اوت در مقابل کنسولگری ترکیه در این شهر آکسیون اعتراضی ترتیب داده شده است. ماضن حمایت از این اقدام بموقع کانون پناهندگان ها نو فر، از تما می کانون های پناهندگی دعوت می کنیم که دست به اقدامات مشابه بزنند و با افشای دولت ترکیه ما نسیع از ادامه این اعمال ضد انسانی شوند.

آمریکا

در روز چهارشنبه ۶ ژوئیه تظاهراتی در شهردالاس آمریکا در اعتراض به کشتار ۲۹۰ مسافر هواپیمایی ایران انجام پذیرفت. در این تظاهرات که بمدت کمیته دانشجویان ایرانی در دالاس صورت گرفت، عموم نیروهای مترقی ایرانی و بخشی از نیروهای مترقی آمریکائی شرکت داشتند. مهمترین ویژگی این تظاهرات اتحاد عمل و همیاری نیروها بود بطوریکه کلیه شرکت کنندگان با یکپارچگی بی سابقاتی به اعتراضی به حرکت جنایتکارانه امپریالیزم آمریکا و نیز سیاست های جنگ افروزانسه جمهوری اسلامی برخاستند. اعتراضی به حضور نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس، محکوم کردن جنگ ایران و عراق و شعار سرنگونی جمهوری اسلامی محور اصلی شعارهای تظاهرکنندگان را تشکیل میدادند. از آنجا که این آکسیون در یکی از پررفت و آمدترین اماکن شهر برگزار گردید، تظاهرات مورد توجه شمار کثیری از مردم قرار گرفت و در بخشی از مطبوعات شهر انعکاس یافت. موفقیت این حرکت جمعی تاکید دیگری است بر ضرورت اتحاد عمل نیروها و عناصر مترقی حول اهداف مشترک.

مصاحبه با مندی نزیما نگی یکی از رهبران کنگره ملی آفریقای جنوبی



(این مصاحبه هنگام راهپیمایی ۲۵۰ هزار نفره در سالگرد تولد ماندلا و با شعار آزادی ماندلا و کلیه زندانیان سیاسی آفریقای جنوبی در لندن به دعوت سازمان فدائیان رتاید ترتیب داده شد.)

سوال - نقش و جایگاه نلسن ماندلا (Mandela) برای مردم و انقلاب آفریقای جنوبی چیست؟  
ج - ماندلا تجسم آرزوهای فرهنگی مردم آفریقای جنوبی است. او برای صلح، برای عدالت، برای برابری انسانها و برای آن اصول پایه که در منشور حقوق بشر آمده است ایستادگی میکند. این است آنچه او نمایندگی میکند. انقلاب آفریقای جنوبی او را بعنوان تجسم زنده تعهد، استقامت و عزم معرفی میکند. ایسن آن پدیده‌ایست که ماندلا تجسم آن است. وقتی شما اشکال متنوع مبارزاتی که توسط توده مردم آفریقای جنوبی به پیش برده میشود را مشاهده می کنید اینها گسترش همان اشکال مبارزاتی هستند که ماندلا سالها پیش یعنی در سال ۱۹۴۹ به آن می اندیشید. این اشکال مبارزاتی تا به امروز زنده ماندند و اهمیت ماندلا از اینجاست.

سوال - دستاوردهای سالهای اخیر انقلاب آفریقای جنوبی چیست؟

جواب - ما هنوز قدرت را بدست نیاوردیم. ساده نگریست اگر فکر کنیم مبارزه ما سه‌لا یا کوتاصدت خواهد بود. ما مبارزاتی بس طولانی در پیش داریم. ولی آنچه بدست آورده ایم، تنها در مردم است، آنچه که بدست آورده ایم عزم مردم ما است، آنچه که بدست آورده ایم جسارت بی‌همتای مردم ما است که با قدرت موجود در کشورمان، قدرتی بی‌رحم و بدون اعطای ف مقابل می‌کنند.

اینهاست آنچه ما بدست آوردیم. امروز در برخی از شهرک‌ها می‌توانید ساختارهای قدرت توده‌ای، قدرت خودگردانی مردم را پیدا کنید، تشکلهایی که تلاش مردم را برای پیشبرد مبارزه سازمان می‌دهند تشکلهایی که تلاش مردم برای خودآموزی را به پیش می‌برند. اینها

میکنیم ۴۰ هزار نفر از این زندانیان سیاسی زیر حکم اعدام هستند. تاکنون تعداد زیادی اعدام شدند. پیام شما برای نیروهای انقلابی و دمکرات که در ایران برای آزادی مبارزه میکنند چیست؟

جواب - آزادی پدیده‌ایست غیرقابل تجزیه. در هر کجای دنیا آزادی ارزشمند است. وقتی برای آزادی مبارزه میکنید، برای زیستن می‌جنگید وقتی برای آزادی مبارزه میکنید برای نجاتی بهتر می‌جنگید، وقتی برای آزادی مبارزه می‌کنید برای حق اثبات انسانیت خود می‌جنگید. براین اساس در هر کشور مشخصی مبارزه برای آزادی باید توسط تمامی کسانی که آزادی را گرامی میدانند و برای آزادی می‌جنگند مورد حمایت قرار گیرد.

دستاوردهایی هستند برای پیشبرد مبارزه. امروز ما میتوانیم یک تظاهرات عمومی و یک اعتصاب را فرابخوانیم، مانع اعتصاب معدنچی‌ها و یا در صنایع. اینهاست دستاوردهای ما برای پیشبرد مبارزات. یک سلسله عملیات نظامی توسط توده‌های مردم که قبلا امکان ناپذیر بودند را ملاحظه کنید. اینها اکنون امکانپذیرند زیرا امروز بخش نظامی کنگره ملی آفریقا (بنام پسر ملت) به اقصی نقاط آفریقای جنوبی دسترسی دارد. و چون زیر پوشش حمایت توده‌ای قرار گرفته قادر است حمله به دشمن را در هر زمان که اراده کند و هرکجا که بخواهد سازمان دهد. این یک دستاورد است.

سوال - همانطور که اطلاع دارید در ایران دهها هزار زندانی سیاسی وجود دارد. همین الان که صحبت

گزارش جنگ

از: ها یینریش شروتر

به‌بلندی‌های "اشپا یشر" یورش بردند  
یک سرنیزه  
سینه‌ها را درید  
وا ودریک بیمارستان ارتشی جان سپرد.  
پدر من  
در سال ۱۸۷۱ متولد شد  
در سال ۱۹۱۴ در "تائن برگ" ودر سال ۱۹۱۶  
در "وردوم" می‌جنگید  
آتش یک مسلسل  
شکم‌ها را هم درید  
وا ودر صحنه نبرد کشته شد.  
من  
در سال ۱۹۱۷ متولد شد  
از سال ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵، در جنگ جهانی دوم

پدر جدم  
در سال ۱۷۹۶ متولد شد  
در سال ۱۸۱۵، همراه با ارتش پروس  
در نبرد "واترلو" شرکت جست  
یک تانک  
پای چپش را خورد کرد  
وا و با چوب زیر بغل به خانه‌اش با زگشت.  
پدر بزرگ من  
در سال ۱۸۴۲ متولد شد  
در سال ۱۸۷۰، در جنگ میان آلمان و فرانسه

دژلهستان و فرانسه "و در" بالکان و روسیه"  
سربا زی بودم  
من با وحشت از آنجا با زگشتم  
پسر من  
در سال ۱۹۵۰ متولد شد  
او از رفتن به خدمت سربا زی خودداری می‌کند  
نوه‌های من  
...

چه چیز در انتظارتانهاست؟

ترجمه: به

از  
مورا  
میدد

## معرفی کتاب : ملاحظات در تاریخ ایران،

اسلام و "اسلام راستین"

نویسنده: علی میرفطروس

در ۲۱۷ صفحه - قطع : وزیری

"ملاحظات در تاریخ ایران، اسلام و "اسلام راستین" رسالتی است تحقیقی که بهمت علی میرفطروس تألیف و تحریر شده است. در این رساله، علی میرفطروس با زبان یک محقق، تاریخ ایران و اسلام را در سه فصل مورد ملاحظه قرار داده است. فصل نخست مشتمل است بر: "نکاتی درباره" علل تاریخی عقب - ماندگی های اقتصادی - اجتماعی و گسستهای فرهنگی جامعه "ایران" بویژه: "هجومهای متعدد اقوام و قبائل نیمه وحشی و حملات ویرانگر عشایر چادر نشین، حمله اسکندر، اعراب، مغولها، کتابسوزان های "مکسر مهاجمین"، جنگ ها و ... کشمکشهای فرقه‌های مذهبی عاملی در ویرانی و قتل و غارت شهرهای میسم ایران".

نویسنده در فصل دوم این رساله نیز آثار و متون متعددی را مورد مطالعه قرار داده است و بطور مستند - اما به ایجاز - شمهائی از تاریخ ایران و اسلام را پیش چشم خواننده میگذارد، که در واقع تاریخ تسلط اسلام بر ایران و چگونگی این تسلط یابی است. او در این فصل بر پایه "مجموعه" استناد و ملاحظاتش، این تر را که: "فرهنگ ایرانی از بنیاد و ناگزیر در تحولاتش دینی بوده، (پس) نفوذ و گسترش اسلام در ایران، امری طبیعی و ناگزیر (بوده است)" و یا "اسلام ربابا آغوش باز پذیرفتند" بی اساس دانسته و مردود می‌شمارد. تز علی میرفطروس در این مورد چنین است: "اسلام در کشورهای اشغال شده (خصوصاً در ایران) اساساً از طریق اعمال "قهر" و "خشونت"، قتل عامهای گسترده، ایجاد ترس و وحشت و از طریق انواع فشارهای مختلف اجتماعی و خصوصاً اقتصادی (مثل خراج و جزیه) مستقر شده است." رجوع علی میرفطروس به متون و منابع معتبر تاریخی، برای مخالفین تر او و همچنین کسانی که در این زمینه مطالعه لازم را ندارند، تحقیق و تأمل و استنادات بیشتری را ضروری ساخته است.

فصل سوم این رساله، مشتمل است بر: رابطه دین و دولت، در انقلاب مشروطیت و برخورد جنبش سوسیال دموکراسی در ایران با دین. التقاط ماتریالیسم و ایدئولوژی در جنبش مارکسیستی ایران، آل احمد و "اسلام راستین" رفرم ارضی ۴۲ و رشد خردمبوروازی مسدود شهری. تغییر در ساختار فئودالی جامعه و از دیدگاه روحانیون سنتی. مرتضی مطهری، علی شریعتی و پیدایش "اسلام راستین" نقش علی شریعتی در پیدایش جمهوری اسلامی. ماهیت اختلاف اسلام خمینی و مطهری با شریعتی و مجاهدین و وجوه اشتراک آنها. آزادی و دموکراسی در نظام اسلامی. امامست، امت و جامعه" بی طبقه" توحیدی. انقلاب ایدئولوژیک مجاهدین "اسلام راستین" و جدائی دین از دولت. "اسلام راستین" و توتالیتریزم. نتیجه و پایانب سخن.

در این فصل علی میرفطروس اسناد متعددی را از گرایشهای مختلف، دستجات و فرقه‌های رنگارنگ اسلامی مورد استناد قرار میدهد و در مقایسه با هم نشان میدهد که این فرق مختلف علیرغم برخی تفاسیر و

افتراقات در تبیین، اختلافاتی اساسی یا "ریشه‌ای" و "جوهری" ندارند. اختلافات در "شکل" بیان و یا به نقل از دکتر شریعتی: ("اختلاف در ظرفهای بیانی، شکل و شیوه و نوع کوشش در احیا و نشر حقایق ثابت و لایتغییر اسلامی و شیعی "میباشد.") مثلاً او میگوید: "اختلاف اسلام شریعتی، بنی صدر و مجاهدین با خمینی، طباطبائی و مطهری در "شکل" استفاده از اهرم مذهب، در "شکل" استفاده از "جہالت" توده‌ها، در "شکل" ادغام "دین و دولت" در حاکمیت سیاسی ست. یکی خواستار "ولایت فقیه" ملاها" است و دیگری (در نهایت) خواستار "ولایت فقیه" مگلاها" است! اسلام خمینی و مطهری تنها به شمشیر و شکنجه و شلاق تکیه میکند و اسلام شریعتی و مجاهدین: به شمشیر و شکنجه و شلاق و شیریستی.

نویسنده در پایان این مبحث از رساله، وجه اشتراک افکار همه گرایشهای اسلامی را، اهم از خمینی، طباطبائی، مطهری و یا طالقانی، شریعتی و مجاهدین، در سه اصل زیر خلاصه میکند:

- ۱- جوهر ضد مارکسیستی و ضد کمونیستی (فلسفی و سیاسی آن)
- ۲- خملت "مذغربی" (ضدیت با مظاهر تمدن غرب و نفی فلسفه سیاسی، آزادی و دموکراسی غربی)
- ۳- ارائه نوعی "ولایت فقیه" و استقرار یک دیکتاتوری "توتالیتر" در عرصه حاکمیت سیاسی.

نویسنده در بخش دیگری از همین فصل بر پایه "مطالعه تطبیقی آراء نظریه پردازان و "اسلام راستین" با "توتالیتریزم" فاشیستی دموکراتیک میکند:

- ۱- وجود یک "شخصیت گرا" - "کیش شخصیت" (اصالت رهبر)
- ۲- ایدئولوژی فراگیر برای "تشریح" تصمیمات پیشوا
- ۳- اعتقاد به گمراهی و نادانی اکثریت مردم جامعه
- ۴- کنترل و سلطه گسترده پالیسی سیاسی و نفی تلمرو شخصی و خصوصی افراد.
- ۵- ایجاد همصدائی و "وحدت کلمه"
- ۶- "بسیج" و "بسیج تودمائی"
- ۷- ایجاد "جامعه بی طبقه" (شعار)
- ۸- ضدیت با آزادی و دموکراسی
- ۹- ضدیت با روشنفکران
- ۱۰- اقتباسی در استفاده از واژه‌ها و مفاهیم سایر مکاتب فلسفی و جامعه‌شناسی

بدنبال توضیح بند بند مفاد فوق، نتیجه و

پایان سخن "آمده است: در این قسمت پانزده نتیجه‌گیری یا جمع‌بندی ارائه میشود که جمگی حاصل یا چکیده گفتارهای سه فصل این رساله تحقیقی هستند. از جمله این جمع

بندی ها:

...

... حمله اعراب به ایران - چه از نظر سیاسی و چه از نظر اقتصادی، اجتماعی - مهمتر و مؤثرتر از حملات اقوام دیگر (نظیر اسکندر، مغولها، غزها، تبهوریان و...) بوده است چرا که ... اعراب با "شمشیر" و "قرآن" ... کوشیدند تا با اشغال نظامی ایران، استقلال و "شکل سیاسی" حکومت ایران را نابود کنند ... و از طرف دیگر تلاش کردند تا با قرآن و اسلام "ملت ایران" را در "امت اسلام" و دین و فرهنگ و زبان و خط ایرانی را، در دین و فرهنگ و زبان و خط عربی "حل" کنند.

### ملاحظات در تاریخ ایران،

اسلام

و "اسلام راستین"

علی میرفطروس

- اسلام - اساساً و خصوصاً - از طریق توسل به "قهر" و خشونت و کشتارهای گسترده و با تحمیل انواع فشارهای اقتصادی - اجتماعی و سیاسی ... وارد ایران شد (۰۰۰)

پیدایش "اسلام راستین" و "تشیخ سرخ علوی" از اوایل سالهای ۱۳۳۰ و خصوصاً با رفرم ارضی - اجتماعی شاه در سال ۴۲ و با رشد خردمبوروازی مدرن شهری ... همراه بوده است. همه انواع "اسلام راستین" خواستار بازگشت به "حکومت صدر اسلام" ... میباشد و کوشش میکنند تا "دگم" ها و باورهای دیرین خویش را با توسل به علم، فلسفه و جامعه‌شناسی مدرن ... ابراز نمایند.

- فلسفه سیاسی "اسلام راستین" (در همنشاکل آن) اعتقاد به ولایت (سرپرستی) و گردن گذاشتن به سلطه "مطلقه" امام" یا "پیشوا" است.

جامعه آرمانی نظریه پردازان "اسلام راستین" و "تشیخ سرخ علوی": "امت" نام دارد. "امت" در حقیقت یک جامعه اعتقادی ست. سلطه یک "ایدئولوژی عام و فراگیر" که تنها بوسیله "امام" یا "پیشوا" قابل تعبیر و تفسیر و تغییر است - تمام حیات اجتماعی - سیاسی و همه عرصه‌های فعالیت هنری، فرهنگی جامعه را میپوشاند. (۰۰۰)

- "اسلام راستین" و "تشیخ سرخ انقلابی" در

جامعه‌شناسی سیاسی امروز، خود را در نوعی "توتالیتریزم" (فاشیسم و نازیسم) بنمایش میگذارد. آنچه که ما - امروزه - در ایران شاهد آن هستیم، تجلی عینی این مدعاست.

علی میرفطروس منابع و مأخذ تحقیق خویش را نیز در پایان رساله در ۱۸ صفحه ذکر کرده است و بدنبال آن، نامهای تاریخی، جغرافیائی و اسامی فرقه‌ها، نشریات و مقالات را برترتیب حروف الفبا در ۱۹ صفحه ضمیمه بخش "فهرست راهنما"ی رساله نموده است.

ما صرف نظر از اینکه چه انتقادات و یا نظری درباره این یا آن تر و یا نکاتی از رساله علی میر - فطروس داشته باشیم، معتقدیم که چنین تحقیقاتی بسیار ضروری و روشنگر جوانب بسیاری از حیات تاریخی و اجتماعی ماست. بهین دلیل رفقا و خوانندگان پیام کارگر را به مطالعه این اثر تحقیقی فرامیخوانیم و برای علی میرفطروس در کار و فعالیتهای تحقیقاتی اش و توفیق است آرزو میکنیم.

● کره جنوبی ۱۴ اوت

دانشگاههای سئول پایتخت کره جنوبی باردیگر صحنه زد و خوردهای خونین بین پلیس ضد شورش و دانشجویان شده است. در این زدوخورها که با شرکت هزاران دانشجوی معترض صورت گرفته، تعداد زیادی از آنها زخمی شده و تعداد دیگری نیز بازداشت شدهاند. علت اصلی زدوخورها این است که دانشجویان کرهای خواهان دیدار با دانشجویان کره شمالی در شهر مرزی "ایچین گالد" و گفتگو با آنها در مورد وحدت دو کره و برگزاری مشترک بازیهای المپیک هستند و این خواسته با خودداری دولت کره جنوبی که هرگونه دیدار غیررسمی را بین دو کره رد میکند روبرو شده است. پلیس کره جنوبی همچنین اقدام به بازداشت دانشجویانی که خود را به نزدیکیهای شهر مرزی فوق رسانده بودند، نموده است.

● اردن ۱۲ اوت

۱۲ اوت بدنبال سخنرانی پادشاه اردن که طی آن وی استقلال کامل ساحل غربی رود اردن را از کشور خود اعلام کرد، مذاکراتی بین هیئت نمایندگی سازمان آزادی بخش فلسطین با دولت اردن صورت گرفت. این مذاکرات جنبه مشورتی داشته و از سوی سازمان آزادیبخش به هدف بررسی امکان ایجاد دولت موقت و یا دولت تبعیدی فلسطینی صورت میگردد. همزمان با این مذاکرات ناآرامیهای سرزمینهای اشغالی ادامه داشته که به کشته شدن ۴ فلسطینی بدست سربازان اسرائیلی منجر شده است. ارتش اسرائیل همچنین اقدام به مسدود کردن راههای ورود و خروج به نوار غزه نموده است. از سوی دیگر یکی از مشاوران عرفات در پاریس طی مصاحبهی اعلام نمود که اکنون زمان آن رسیده است که اسرائیل و سازمان آزادی بخش یکدیگر را برسمیت شناخته و باهم برای صلح مذاکره کنند. وی در عین

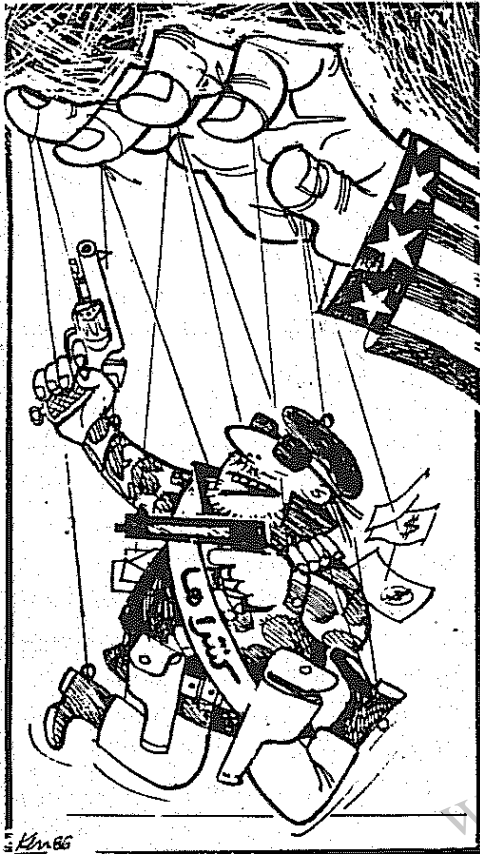
حال ایجاد دولت مستقل فلسطینی را خواسته غیرقابل چشمپوشی سازمان آزادی بخش دانست.

● فیلیپین ۱۲ اوت

بحران دولت آکینو با انتشار نامه چهارصفحی معاون وی سالوادور لاورل به وی وارد مرحله تازهی شد. لاورل در نامه خود دولت خانم آکینو را بعنوان ناتوان و فاسد معرفی نموده و خواهان کناریگیری وی و برگزاری انتخابات جدید شده است. لاورل که چندی پیش بعلت اختلاف با آکینو در مورد نحوه برخورد با حزب کمونیست فیلیپین و ارتش نوین خلق، از سمت وزارت خارجه کناره گرفت، خواستار دولتی سالم و نیرومند که رفهرهای لازم را انجام ندهد و نظم و قانون را برقرار کند شده است. وی ناتوانی دولت آکینو در مبارزه با کمونیستها و نیرو گرفتن بیش از پیش آنها و هرج و مرج بی قانونی حاکم بر فیلیپین را در نامه خود برشمرده و راه چاره وضعیت فعلی را که در آن مردم هرچه بیشتر از رژیم آکینو روبروی تابند ایجاد دولت قوی که رفهرمکند ذکر کرده است.

● مصر ۱۲ - ۱۳ اوت

در محله فقیرنشین عین الشمس قاهره درگیریهای خونینی بین پلیس و افراد وابسته به جهاد اسلامی صورت گرفت که طی آن دو نفر کشته شدند. این درگیری ها در آغاز سال هجری اتفاق افتاد که در روز اول آن پلیس در جستجوی دو نفر از افراد جهاد اسلامی به زد و خورد با سایر افراد این گروه و نیز اهالی محله عین الشمس پرداخته و این زد و خوردها بدت دو روز ادامه یافتند. ناظران سیاسی در قاهره این کشاکش ها را علامت دیگری بر رشد ناآرامیهای اجتماعی در مصر میدانند.



های کشور که قرا راست طی هفته آینده دریزد آغاز کرده، تهران غایب است، یعنی عملیات سوم دانش آموزان ایران در مسابقات آموزشگاه های کشور شرکت ندارند. مسئولین علت را "عدم برگزاری مسابقات داخلی" مطرح می کنند، یعنی می گویند موفق نشده اند در هیچ یک از رشته های ورزشی مسابقات داشته باشند. به روایتی دیگر در سطح استان تهران، طی سال گذشته هیچ مسابقه ورزشی بین دانش آموزان برگزار نگردیده است. اوچ فاجعه زورای همین یک جمله ساده روشن می گردد. دانش آموزان در طول سال از ورزش محروم بوده اند. آرزودرون سرزمینی که همه چیز آن در خدمت جنگ باشد جز این نمی توان انتظار داشت. در جمهوری اسلامی، بزعم مسئولین جنگ بزرگترین ورزش است و لابد گذشته شدن، کسب مدال افتخار، فقها ترجیح می دهند با هزار رنیرنگ دانش آموزان را به جبهه ها بکشاند تا مدال افتخار "شهادت" را برگردانند و بیای ویزند. همچنانکه کلیه بهشت را بدستشان می دهند. در همین رابطه که همزمان با تعطیل دانشگاه ها و مدارس نیز کم کم می روند تا تعطیل کنند.

حتی با رای از رشته های ورزشی حذف شد. نتیجه تمام این انحطاطها این شد که دوران رکود ورزش ایران، قهرمان مطلق آسیا و رقیب صاحب نامی در بسیاری از رشته ها در سطح جهان، فورا رسید. بسیاری از ورزشکاران جلا وطن نمودند و آنانکه ماندند در مجامع و ردا های اسلامی رژیم اسپرند و از این روست که هر روز خبری تازه از درگیریهای رژیم را در این عرصه می شنویم. واقعیت این است که ورزش نیز چون جا معایران در بحرانی ژرف بسر می برد. در پی همین بحرانهاست که در تغییر و تحولات اخیر و ارتخا نه ها، "سازمان تربیت بدنی" که از کمیسیونهای وابسته به نخست وزیر بود، از آن جدا و به کمیسیون آموزش و پرورش مجلس وصل گردید، تا کاری را که آن کمیسیون نتوانسته بود انجام دهد، این یکی بپا دهد کند. ورزش آموزشگاه ها در این میان قربان سنگین تری را متحمل شد. ابتدا معلمین ورزش را از برنا مه دبستانها حذف کردند و با اوچ گیری جنگ و گسیل فوج فوج دانش آموزان به جبهه ها، ورزش مدارس به مفر رسید تا آنجا که در مسابقات آموزشگاه

ورزش در حصار فقها

در رژیم فقها همه چیز از درجه جنگ و برای جنگ به محک می نشیند. فقها مرگ (شهادت) را برای همه، البته منهای خودشان به عنوان تنها داری شفا بخش جهت تمام دردهای جامعه تبلیغ میکنند و از این زاویه است که هر چه را در این چهار چوب نیابند مجبورا بود می کنند. در این راستا که ورزش در جمهوری اسلامی سرنوشت عجیب و غیرنحی پیدا کرده است. رژیم در ابتدای امر نوبت تا سپس وزارت ورزش را می داد و اینکه برای شکوفایی ورزش بخصوص برای جوانان از هیچ کوششی دریغ نخواهد کرد. ولی دیری نپا شد که ورزش نیز در حصار فقها قرار گرفت و کمتر ورزشکاری توانست بسودن آستانه نبوسی حضرات به میادین ورزشی راه پیدا کند. در میادین بین المللی فضا را از این شیسر بیشتر شد. حمل اجباری عکس امام، شعاههای اسلامی و... بر سر هر تیمی یک نیمچه آخوند را نشان دادند تا ورزش را اسلامی کنند و در این رابطه ورزش زنان وضع بغرنجتری پیدا کرد تا آنجا که

# افشاگری

## صدور اسلحه به ایران

زمانی که مسئله بر سر محدود کردن تظلمات است، از قیچی باغبانی گرفته تا گالن بنزین بعنوان سلاح بحساب می‌آیند ولی زمانی که نوبت به صدور اسلحه می‌رسد تنها گویا تا اسلحه "لئوپارد" از طرف دولت آلمان بعنوان اسلحه به شما نمی‌آید و ممنوعاً صدور می‌باشد ولی انواع سلاح‌های دیگر بعنوان تجهیزات غیرنظامی به مناطق بحرانی و جنگ زده‌ها می‌آید.

— به نقل از dpa ۲۸ سپتامبر ۱۹۸۷: "با وجود اینکه دولت آلمان سلاح‌های مدرن می‌کند و لیسلی سلاح‌های آلمان به مقدار فراوان در جنگ‌ها به کار برده می‌شوند، در این میان پاسداران با افتخار در رژه‌های در تهران تریلر تانک بری را بنامایش می‌گذارند که نام رویایی "تیتان" و مارک "ساخت آلمان" بر خود دارد.

در سال ۱۹۸۲ کارخانه "تیتان" در آپن ویسر (Appenweier) ۱۸۰ تریلر تانک بریه ایران صادر کرده است. سفارش دهنده و گیرنده: سپاه پاسداران.

تجهیزات این تریلرها اکثراً از کارخانه‌های آلمانی نظیر (Rotzler, Hella, Zahnradfabrik, Friedrichshafen) و غیره می‌باشد و به رنگ استارتی ارتش رنگ آمیزی شده‌اند.

حال اگر کسی تصور کند که مشخصات (رنگ، کاربرد، تجهیزات) برای طبقه‌بندی این تریلرها بعنوان تجهیزات نظامی کافی می‌باشد، بطور منطقی حق دارد ولی به یک مسئله توجه نمی‌شود، اینکه اگر این تجهیزات بعنوان تجهیزات نظامی از طرف وزارت اداره اقتصاد

(Bundesamt für Wirtschaft) در Eschborn شناخته شوند، بدان معنی خواهد بود که در کشور آلمان تسلیحات نظامی به مناطق بحرانی صادر می‌کنند و آنهم جایی که سیاستمداران آلمانی با کمال میل حاضرند شب و روز قسم بخورند که آلمان هیچگونه سلاحی به ایران و عراق صادر نمی‌کند.

قوانین ممنوعیت این نوع صادرات به اندازه کافی وجود دارند. در ماه‌های ۷ قانون مربوط به صادرات چنین آمده:

ماده ۷-۱) — معاملات خارجی می‌توانند محدود شوند، در صورتیکه مضر به همزیستی صلح آمیز میان ملل باشند.

اصل (۲) — بر طبق بند (۱) می‌توانند تسلیحات زیربخصوص محدود شوند:

(۱) تجهیزاتی که برای نگاربردن سلاح، مهمات و وسایل جنگی مورد استفاده قرار گیرند.

(۲) وسایلی که برای انجام عملیات نظامی قابل استفاده می‌باشند.

بدین ترتیب دولت آلمان برای اینکه مجبور به ممنوع کردن این تسلیحات نباشد آنها را بعنوان وسایل غیرنظامی طبقه‌بندی می‌کند. علاوه بر آن در مواقع ضروری این دلیل استناد دارد آورده می‌شود که:

"بر طبق مرزهای حقوقی که مدت‌هاست از طرف اداره اقتصاد (BAW) نمایندگی می‌شوند، تنها تجهیزاتی ضرورتاً از راه رسمی برای صادرات را دارند که خاص اهداف نظامی طراحی شده باشند. بدین ترتیب مسئله بر سر کار بردن احتمالی از این وسایل برای اهداف جنگی نمی‌باشد. رنگ و وسایل نقلیه نمی‌توانند بعنوان مشخصه طراحی بحساب آیند."

(به نقل از دادستانی کل Offenburg به تاریخ ۱۵.۱۰.۸۷)

بطور روشن این بدان معنی است که تا زمانی که با این تریلرهای تانک برجی‌ها بی‌بغیر از تانک حمل می‌شوند، این وسایل نقلیه بعنوان تجهیزات نظامی بحساب نمی‌آیند.

جالب توجه است که کارخانه Rotzler، تولید کننده قطعات هیدرولیکی برای تریلرهای فوق (تریلر تیتان) در یک لیست مرجع این قطعات را بعنوان "قطعاتی برای تریلر تانک بریتانیا" درج کرده است.

دلیل شاهانه دیگری بر مدعای بی طرفی دولت آلمان در جنگ ایران و عراق را می‌توان به سال ۱۹۸۲ در بندر Neustädter در برمن یا دگرود، در کناره تریلرهای تانک بریتانیا برای ایران، تریلرهای تانک بر ساخت کارخانه Blumhardt برای عراق ایستاده‌اند.

در مورد این تریلرها نیز اداره اقتصاد (BAW) چون سیستم یاد شده عمل کرده است. این اداره در بررسی‌های خود بدین نتیجه رسیده است که سطح شیب داری که توسط آن تانک بر روی تریلر سوار می‌شود دارای زاویه ۱۸ می‌باشد در حالی که این زاویه برای تانک برهای ارتش آلمان بطور استناد دارد ۱۴ درجه می‌باشد. نتیجه: این تریلرها برای مقاصد نظامی

طراحی نشده‌اند و در نتیجه نیازی به اجزای جداگانه از طرف ادا ره مزبور نمی‌باشد!

تریلرهای تانک بریتانیا و Blumhardt فقط بخشی از کل صادرات وسایل نقلیه و تسلیحات از طرف آلمان فدرال را به کشورهای ایران و عراق شامل می‌شوند. در کل در بیست و سه سالهای ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۵ وسایل نقلیه‌ای به ارزش ۶/۳ میلیارد دلار به عراق و بیش از ۶ میلیارد دلار به ایران صادر شده است.

در بین سالهای ۷۰ تا ۸۰ کارخانه‌های آلمانی با مشکل صادرات روبرو بوده‌اند ولی با آغاز جنگ ایران و عراق برای مثال کارخانه "تیتان" در سال ۱۹۸۲ به جای ۳۵ میلیون دلار فروش پیش‌بینی شده، ۸۵ میلیون دلار از طریق فروش تریلرهای تانک بریه ایران دریافت کرده است.

... یکی از روش‌های بزرگ معاملات

اسلحه مربوط به کارخانه اسلحه سازی فریتز ورنر Fritz Werner Industrieanstaltung GmbH

در گیزنهم (Geisenheim) می‌باشد. کارخانه فریتز ورنر گوا اینکه یکی از متعهد کننده کارخانه‌هاست که در گذشته سلاح به ایران و عراق می‌فروشد. نکته جالب توجه در مورد این کارخانه آنستکه، سیاستمداران بزرگ آلمانی مستقیماً برای صادرات این کارخانه مسئول هستند چه این کارخانه متعلق به دولت می‌باشد.

این کارخانه بطور صد در صد به موسسه تا سیات صنعت آلمان (Deutsche Industrieanlage GmbH) در برلین متعلق می‌باشد که تنها سهامدار این یک (DIAG) ، بانک صنعت برلین (Berliner Industriebank AG) است. سرمایه این بانک به میزان ۸۸٪ به "موسسه وام برای بازسازی" (Kreditinstitut für Wiederaufbau) در فرانکفورت متعلق است. سیاست تجاری این موسسه بوسیله یک هیئت ۲۸ نفری کنترل می‌شود که رئیس آن وزیر دارایی وقت یعنی آقای اشتولتنبرگ (Stoltenberg) می‌باشد. اعضای دیگر

این هیئت وزیران مورخا رجه، وزیر همکار زبانی اقتصاد، وزیر کشاورزی و وزیر اقتصاد و همچنین نخست وزیر استان بایراتای اشتراوس و یکی از وزرای استان نوردراین وست فالن (Nordrhein-Westfalen) آقای یوخیمزن (Juchimsen) از SPD، رئیس اتحادیه سندیکا‌های آلمان DGB یعنی آقای "بریت" ...

**مرك بر جنگ! زنده باد صلح! زنده باد انقلاب!**

### افشای...

( Breit ) رئیس اتحادیه کشاورزان آلمان آقای هرمان ( Haerman ) ورثیس بانسک مرکزی آقای ( Pöhl ) می باشد .  
 در هیئت مدیره بانسک صنعت برلین، و DIAG و کا رخا نه فریتزورنر علاوه بر افراد مختلفه کارمندان وزارت اقتصاد را بی شرکت دارند. دکتر کلاوس فریکه ( Fricke ) روزارت اقتصاد علاوه بر جانشینی ریاست بانسک صنعت برلین همزمان ریاست هیئت مدیره DIAG و کا رخا نه فریتزورنر را عهده دار می باشد .

( تمام این اطلاعات از روزنامه - Tageszeitung مورخ ۲۶/۵/۸۷ استخراج شده اند ) نتیجه گیری این که این ارتباط تنگاتنگ سیاست و اقتصاد تا شیری بر معاملات کا رخا نه " فریتزورنر " دارد بهیچوجه مشکل نمی آید .  
 ... ابتدا در زمان حکومت رضا پهلوی کا رخا نه " فریتزورنر " یکی زما درکنندگان اساسی سلاح به ایران بود . این کا رخا نه علاوه بر وسایل مختلف کا رخا نه تا اسلحه و مهمات سازی به ایران می فروخت .

در این کا رخا نه تا علاوه بر سلاح های حمل شده از طرف کا رخا نه - Manuhrin ( این کا رخا نه یک کا رخا نه فرانسوی است که روابط تجاری نزدیکی با کا رخا نه اسلحه سازی هنر در آلمان دارد و درودر معاملات اسلحه با ایران دست دارد ) از قبیل مسلسل ژ-۳ و MG3 ، انواع مختلف مهمات برای سلاح های کمپی ، توپ و غیره تولید می شدند . ( به نقل از Spiegel ۱۹/۸۷ )  
 همزمان با آغاز تا ر میهای انقلابی ، کا رخا نه اسلحه سازی Hassen رژیم شاه را با ۱۵۲۱۶ دست - بند و سیصد تا توپ برقی مجهز نمود که در آمریکا به مبلغ ۳۵۷۰۰۰ مارک خریداری شده و ساخت واپس

بوده اند . در سال ۱۹۸۳ کا رخا نه فریتزورنر تمامی پروژه های خود را در ایران متوقف کرده و کارگران و مهندسان خود را از ایران فراخواند . در این سال میزان سودجاری شده از این کا رخا نه به کا رخا نه ما در ( DIAG ) از ۴۶۸۹۲ میلیون مارک به ۹۳۱۹ مارک تنزل پیدا نمود .  
 ( اخذ شده از پام کارگر ) حزب سبزها در ( ۸۴/۷ ) پس از آغاز جنگ ایران و عراق تمامه های جدیدی بین این کا رخا نه و دولت ایران بوقوع پیوست که در نتیجه آن مهندسان این کا رخا نه برای امداد و تعمیرات و تمام پروژه های مختلف به ایران سفر کردند .

در سال ۱۹۸۳ قرارداد بی " سازمان دفاع ملی " و کا رخا نه مذکور بسته شد که بر اساس آن ۳۵۰۰۰ راکت نوع " آرش " به ارزش ۵/۶ میلیون مارک به ایران مقرر شد . ( به نقل از Spiegel ۳۱/۸۷ ) این راکتها کپی شده از چیزی را که به خدمت جنگ آید به ایران و عراق صادر می کند . از اطلاعاتی در مورد دقت هدف گیری تا نکهای روسی تا مواد لازم برای ساخت مهمات و مواد منفجره . ( به نقل از Spiegel ۳۱ / ۸۷ )  
 ... از آنجا که کا رخا نه فریتزورنر متعلق به دولت می باشد ، دولت آلمان نهایت تلاش خود را برای پرده پوشی معاملات این کا رخا نه با ایران می نماید . ... در این میان دولت آلمان سعی به پدید آوردن تصوری در میان مردم دارد که گویا قانون اخذ اجاره صدور ، به محدود کردن صادرات سلاح یاری می رسد .

اما آنچه در محاکمه مدیر کا رخا نه اسلحه سازی Rheinmetall به روشنی نمودار شد ، یک رابطه عمیق " قلبی " بین کا رخا نه تا اسلحه سازی و اداره اقتصاد ( BAW ) در اشتراک

موشک انداز BM متعلق به ارتشهای پیمان و روسی می باشد که با کمک کا رخا نه اسلحه سازی هنر موفق به کپی برداری از آنها شده بود .

در سال ۱۹۸۵ کا رخا نه فریتزورنر اطلاعات ذیقیمتی در مورد راکتها ۱۲۲ میلیمتری به ایران داد . ( به نقل از Spiegel ۳۱ / ۸۷ ) این اطلاعات تازه دریاقت شده ، هاشمی رفسنجانی ژبه اعلام این مطلب تحریک نمود ، که کشور مطبوعه و در آینده نزدیک امکان ساخت راکتها ی خوبی را خواهد داشت . در این میان یکی از فیاندها ن سپاه پاسداران اعلام کرد که " سپاه " موفق به کپی موشک فدهوایی استینگر ، ساخت آمریکا ، شده است . ( به نقل از روز دویچه چیشو تگ 12/2/87 )

از زمان از سرگیری روابط بین ایران و کا رخا نه فریتزورنر ، این کا رخا نه تقریباً هر ( Eschborn ) که مسئول دادن اجازه صدور می باشد ، وجود دارد بطوریکه رئیس این اداره ، دکتر رومر ( Rumer ) اعلام نمود : " ما آراهای هستیم برای اقتصاد ، مسئله اساسی برای مسامرات است " .

در این گیرودار با پیدا ز شرکت های کشتیرانی نیز تا مبرده که با وجود نداشتن اجازه ای قانونی برای حمل سلاح به مناطق جنگی ، با تعویض نام کشتیهای خود قادر به حمل مهمات برای ایران و عراق می نمایند .

... در ضمن چندین کا رخا نه آلمانی به ساختن کا رخا نه های تولید بمب های شیمیایی در سایر عراق نیز با می رسا نند و دستگا ههای لازم برای این کا رخا نه ها را نیز تا مین و در راه اندازی و نصب آنها نظارت دارند . کا رخا نه Karl Kolb/Pilot Pluvrt در زمره این کا رخا نه تا می باشد .

### ادامه از صفحه ۵ ابزارهای...

بوروآزی با لیاقت آستین بالا زدند و همیشه مذاق برابری حقوق خلقهای ایران و مخالف شونیم بودند ، هرگونه نزدیک شدن به اصالت در عرصه هنر و فرهنگ ایران و جهان بمعنی حضور نیروی چپ و آلا سازمانگر هژمونی چپ بوده است حتی کسانی که اهل کتاب خواندن بودند در نظر مردم عادی " کمونیست " بحساب می آمدند ( ۱ ) و یا اشاعه موسیقی اصیل ایران ، سینمای واقعی ، موسیقی و هنر خلقها ، حقوق زن در جامعه و ... همه با خیزش تودهها در سال ۵۶ و بعد از بهمن ۵۷ در زمینه کارآئی شووها و ابزار تبلیغ و سازماندهی تغییرات اساسی بوجود آمد و چپ همچنانکه در تشخیصی ضمیمه سمت و سوی اصلی حرکت خود پاد گل ماند در عرصه اشکال کارهم طبعاً نتوانست یا شاید بهتر است بگوئیم فرصت نکرد در دیدگاههای گذشته خود تجدید نظر کند . سال ۵۷ تا ۶۰ با خوارها کاغذ تبدیل شده به اعلامیه مواجه بودیم ، در حالی که دیگر مثل سال ۵۶ کسی دنبال اعلامیه نمی دودید و حتی دیوارنویسی و نصب تراکت ، بعنوان اشکال اصلی تبلیغ کارآئی گذشته را از دست داده بودند .  
 ادامه دارد

### منتشر شده است

## کاوشگر

نشریه گروهی از دانشگاهیان سابق ایران

در این شماره:

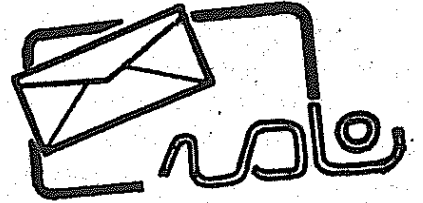
- سرآغاز تاریخچه مبارزات دانشگاهیان ایران جامعه و استقلال نظام دانشگاهی گزارش گونه ای از تغییر نظام آموزشی دانشگاه تهران - شعری از نعمت میرزا زاده یادی از آذر خاطره ای از تحصن دانشگاهیان تقویم رویدادهای دانشگاه

## غزلیات عارف

ضمیمه: شیخ درع عارف

تیر و دومین و پنجمین مجرای

زمستان ۱۳۶۶ شماره ۲



# اعدام جنایتکارانه زندانیان سیاسی

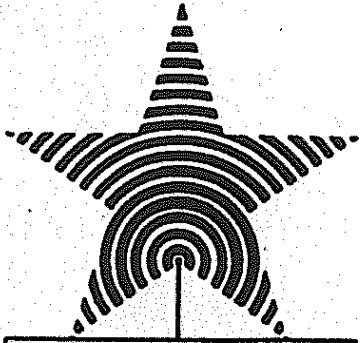
اخبار رسیده از زندانها موبد ادامه تشدید فشار بر زندانیان سیاسی و افزایش اعدامها است. از آغاز شکست های رژیم در جبهه های جنگ بر موج اعدامها نیز افزوده شده است. آخرین گزارشات در این زمینه از اعدام ۴ تن از اعضا حزب شده و سازمان لکشریت بناهای کیو مسرت زرشان، سعید آدرگ، فرامرز موفی و سیمین قورین خرمیدهند. گفته میشود در هفته های اخیر نزدیک به ۷۰ تن از زندانیان سیاسی در سلولهای انفرادی در انتظار حکم اعدام بسر میبرند.

ما اعدام زندانیان سیاسی را قویا محکوم می کنیم.

رفیق ب. کراچی

با سلام و تشکر از مقاله ای که برای ما فرستاده اید. رفیق عزیز، متاسفانه در پرداخت مقاله آن قدر رعایت اختصار را کرده اید که اصل موضوع مبهم بنا رس مانده است. خواننده نمی تواند بفهمد درک کند بنا بر کد ما کتبا و دلائل مشخص "حزب کمونیست" کومله بکتا ریست است.

ر. سعید، استرالیا: بنا به شما را دریا نست کردیم. تذکر شما در مورد درج آدرس مگا تبا تسی نشریه، بجا و وارد است. ما سعی می کنیم این چنین غفلت های تکرار نشود. در مورد سوال و انتقاد شما نسبت به مقاله ما زمانه های فعلی کا رگری منتشره در شماره ۱۹ پیام کا رگر ذکر چند نکته ضروری است: اولاً این مقاله متوجه سا زمانه های فعلی کا رگری بدون در نظر داشتن گزارشات ایدئولوژیک سیاسی آنها در جهت دفاع از منافع و مبارزات جاری طبقه کا رگر است و بنابراین دیگر هدف ایجاد سازمانی از نوع تشکل های توده ای و طبقاتی کا رگری است که در جها رچوب سا زمانه های اتحادیه ای طبقه کا رگر قرار می گیرد. و به همین جهت مرز مشخصی با سا زمانه های سیاسی طبقه دار که با هدف کسب قدرت سیاسی طبقه و براساس برنا مه سیاسی معین تشکل می گیرند، لذا طرح برنا مه سیاسی همه جا نه طبقه بعنوان پلاتفرم آن، که درخواست مربوط به جمهوری دمکراتیک خلق و حکومت شورائی از جمله آن است، صحیح نیست. اگر چه اتحادیه های کا رگری پیشرفته و مرتبط با حزب طبقه کا رگر از شمارهای برنا مه ای حزب حمایت و پشتیبانی می کنند اما خود را با چنین مبارزه ای راهبری سازماندهی نمیکنند تا این سوال که چرا چنین تشکلی در خارج از کشور نقش دفاعی دارد، برمی گردد به حوزه وظایف نیروهای خارج از کشور که چون خود مستقیماً در مبارزه جاری کا رگران داخل شرکت ندارند و دفاع از آن مبارزات و ایجاد پیوند آن مبارزات با متحدین خود در سایر کشورها نقش خود را ایفا می کنند. رفیق عزیز بر خود فعال شما با نشریه را ارج گذارده و آرزوی پیروزی شما را داریم.



صدای کارگر

راستی سازمان کارگران انقلابی ایران به رهبری

★ برنا مه صدای کا رگر هر شب ساعت ۶ روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متغیراً بر با ۴ مگا هرتز پخش می گردد.

★ این برنا مه ساعت ۹ همان شب ساعت ۶ صبح روز بعد مجدداً پخش می گردد.

★ جمعه ها برنا مه ویژه پخش می شود

★ ساعت و طول موج صدای کا رگر را به خاطر بسپارید؛ ساعت پخش و طول موج صدای کا رگر را به هر وسیله ممکن به اطلاع کا رگران و زحمتکشان برسانید و آنان را به شنیدن صدای کا رگر دعوت نمائید!

رفیق علی

از وقت و نهایت دلسوزی و علاقه شما به فعالیتهای دمکراتیک بسیار خوشحالم و از آن سپرو می گیریم. آدرسهای ازکا نونها و تشکلهای دمکراتیک ایران با این و نشریاتشان را که در تمامهای ۱ و ۵ پیام کا رگر درج شده بدینحال نامه می بجدد و آرسی کردیم. آدرس را که نامه شما آنها برگشت خورده بود یکی بعلمت تغییر آدرس بوده است. سه مورد دیگر هنوز روشن نشده است. آدرس جدید کا نون دفاع از حقوق زندانیان سیاسی ایران ما مبروک را در معرفی کا نونها و تشکلهای دمکراتیک درج خواهیم کرد.

بدین وسیله از فعالین کا نونها و تشکلهای دمکراتیک می خواهم که تغییر آدرس یا هر نوع تغییر دیگری را به ما اطلاع دهند.

منتشر شده است



ارگان سازمان کارگران انقلابی ایران از راه کارگر

- "سویسیمه دمکراتیک" یا "انتقادی" روزنامه تکی بر نقش حزب دمکرات و پیوسته
- عقاید دیدگاههای مختلف نسبت به جبهه دمکراتیکند لبرواییست
- جنبش بین المللی کارگری و مبارزه برای انقلاب و صلح
- ضرورت تأیید حزب در تبال آن

۶

۱۳۶۷

## آدرس پیام کارگر

POSTFACH  
650226  
1 - BERLIN 65

ALIZADI  
B.P. 195  
75564 PARIS  
- CEDEX 12  
FRANCE

### لیست کمکهای مالی

ف - ر ۱۴۰	س - ۱۰۰	مارک	س - ۱۰۰
بیزاد ۲۰۰	ظفر ۳۰۰	"	"
س - س ۱۷۰	شهره ۶۰۰	"	"
سپیده ۱۵۰	حسین ۳۰	"	"

سرنگون باد جمهوری اسلامی!  
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!